

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



بسته سیاستی الزامات، میان برها و موانع جهش تولید  
با نگاه به نقش لایحه بودجه ۱۴۰۰

بهمن ۱۳۹۹



- ناشر: دبیرخانه شورای راهبردی سازمان بسیج اساتید کشور
- تهیه و تدوین: دبیرخانه قرارگاه جهش تولید سازمان بسیج اساتید تهران
- محل نشر: تهران
- نوبت چاپ: اول
- شمارگان: محدود
- آدرس: تهران - خیابان انقلاب - نبش فخر رازی - پلاک ۱۲۴۶
- تلفن: ۶۶۹۷۵۶۳۹
- پست الکترونیکی: [org.18@basijasatid.ir](mailto:org.18@basijasatid.ir)

## فهرست مطالب

- مقدمه و طرح مسئله..... ۹
۱. جهش تولید از دیدگاه مقام معظم رهبری..... ۱۰
- الف) اهمیت جهش تولید..... ۱۱
- ب) جهش تولید؛ لازمه قوی شدن و خنثی کننده توطئه‌های دشمن..... ۱۱
- ج) عبادی بودن حمایت از تولید..... ۱۲
- د) حمایت از تولید و کالای ایرانی؛ تضمینی برای آینده‌ی کشور..... ۱۲
۲. نویدبخشی..... ۱۲
- الف) اعتماد به تولیدات داخلی؛ نسخه‌ای کارآمد..... ۱۳
- ب) امکان‌پذیری عبور از سد تحریم..... ۱۳
- ج) درون‌گرایی راه‌حل مشکلات..... ۱۴

۳. الزامات و بایسته‌ها..... ۱۴
- الف) بازنگری در واردات..... ۱۵
- ب) مبارزه با قاچاق و شبکه‌های مافیایی..... ۱۵
- ج) کنار گذاشتن برند گرایی..... ۱۶
- د) استمرار ثبات در قوانین..... ۱۶
- و) تعصب و احساس مسئولیت مردمی..... ۱۷
- ی) تولید کالاهای معتبر بادوام، زیبا و فاخر..... ۱۷
- موانع جهش تولید..... ۱۸
۱. اقتصاد نفتی..... ۱۸
۲. اقتصاد دولتی..... ۱۹
۳. جولان رقبای تولید..... ۱۹
- میان‌برهای جهش تولید..... ۲۳
۱. میان‌برهای داخلی..... ۲۴
۲. امکانات خارجی..... ۲۹
- نتیجه‌گیری..... ۳۲

- اقتصاد ایران در دوره جمهوری اسلامی ..... ۳۳
- امکان‌های ایران برای خروج از وابستگی اقتصادی ..... ۳۶
۱. داشتن استقلال سیاسی (قطع نفوذ خارجی و وابستگی سیاسی دولت به خارج) ..... ۶۳
۲. توان دفاعی بازدارنده ..... ۳۷
۳. عنصر آگاهی سیاسی ..... ۳۸
۴. ظرفیت‌های بی‌ظنیر اقتصادی ..... ۳۹
- دسته‌بندی دیگری از موانع جهش تولید ..... ۴۱
- یکم) موانع بنیادی ..... ۴۲
- الف) در حوزه نظری ..... ۴۲
- ب) در حوزه رفتاری و عمل ..... ۴۵
- دوم) موانع فرهنگی ..... ۴۷
- سوم) موانع ساختاری ..... ۵۰
- راهکارها و الزامات فوریت‌دار ..... ۵۳
- ثمرات و برکات تحقق مطالبات اقتصادی مقام رهبری ..... ۶۲
- نتیجه‌گیری ..... ۶۲

- ۶۴.....مختصات لایحه بودجه ۱۴۰۰؛ انبساطی، سیاسی و غیرواقعی
- ۷۰.....درآمدها در لایحه بودجه.....
- ۷۲.....هزینه‌ها و ایرادات لایحه بودجه.....
- ۷۴.....جمع‌بندی و ملاحظات تحلیلی بودجه ۱۴۰۰.....



## مقدمه و طرح مسئله<sup>۱</sup>

سال ۱۳۹۹ در حالی از سوی رهبر معظم انقلاب به «جهش تولید» نام‌گذاری شد که هم حیات تولید در سال‌های گذشته مسیر دشواری را پیموده و هم اقتصاد و مسائل معیشتی در کشور، هنوز در صدر اولویت‌ها و مسائل مهم کشور قرار دارد. در واقع، علی‌رغم آنکه بیش از یک دهه است که معظم‌له بر حل مسائل اقتصادی تأکید داشته و نام‌گذاری سال‌های متمادی را به این موضوع اختصاص داده، اما هنوز هم بخش‌های مهمی از مسائل اقتصادی کشور، لاینحل باقی مانده است. بر این اساس، رهبر حکیم انقلاب اسلامی در سال جدید بر موضوع جهش تولید، به‌عنوان راهبرد و درعین‌حال، مجموعه شیوه‌هایی برای حل مسائل اقتصادی کشور تأکید دارند. تولید بخش ابتدایی و درعین‌حال، مهم‌ترین بخش از یک زنجیره راهبردی مهم است که می‌تواند به حل جدی مشکلات اقتصادی - اجتماعی کشور کمک کند. توضیح آنکه جهش تولید باعث کاهش تورم و افزایش اشتغال شده و بخشی از مشکل بیکاری را حل می‌کند. این امر نیز به‌نوبه‌ی خود می‌تواند در کاهش و حل مسائلی چون آسیب‌های اجتماعی مفید باشد. بحث تولید اگرچه در نگاه اول ساده و ابتدایی به نظر می‌رسد، اما

۱. قرارگاه جهش تولید نهضت استادی بسیج. تهیه و تنظیم دکتر علی قاسمی و دکتر علی مرادزاده

در اساس، بخش زیربنایی از یک زنجیره حیاتی است و چنانچه به این بخش توجه شود، بخش‌های مهم دیگری به تحرک و پویایی واداشته می‌شود؛ بنابراین، جهش تولید و مسائل مرتبط با آن، مسئله امروز و فردای ماست.

### ۱. جهش تولید از دیدگاه مقام معظم رهبری

امسال در حالی از سوی مقام معظم رهبری به سال «جهش تولید» نام‌گذاری شد که نام‌گذاری‌ها و تأکیدهای ایشان در سال‌های اخیر نیز حول این موضوع متمرکز بوده است. در واقع، ایشان با تشخیص اینکه اقتصاد و مسائل اقتصادی و معیشتی مسئله و درعین حال نقطه آسیب‌پذیری کشور می‌باشد، بر روی مسائل اقتصادی، به‌ویژه تقویت تولید داخلی، اقتصاد مقاومتی، استحکام‌بخشی ساخت درونی قدرت، جهاد اقتصادی، نوآوری و شکوفایی، اشتغال‌زایی، مبارزه با فساد و قاچاق کالا، جلوگیری از واردات بی‌رویه، حمایت از کالای ایرانی و... تأکید کرده‌اند. بر این اساس، باید گفت که جهش تولید بخشی از این مسئله‌ی کلان است؛ بنابراین، اگر چه امسال به «جهش تولید» نام‌گذاری شده، اما در واقع، روح کلی حاکم بر جهش تولید، همان تقویت تولید داخلی، تحقق اقتصاد مقاومتی، استحکام ساخت درونی، قوی شدن، اشتغال‌زایی و... است. از این‌رو، برای فهم دیدگاه ایشان درباره جهش تولید باید مجموعه دیدگاه‌های ایشان درباره‌ی موارد ذکر شده را بررسی کرد. بر اساس آنچه گفته شد، مهم‌ترین محورهای مورد تأکید معظم‌له در زمینه تولید و متفرعات آن، عبارت‌اند از:

## الف) اهمیت جهش تولید

اقتصاد و مسائل معیشتی و از جمله آن‌ها، جهش تولید از موضوع‌ها و مسائل اولویت‌دار و مهم از دیدگاه مقام معظم رهبری است. نام‌گذاری بیشتر سال‌های گذشته (۱۲ سال گذشته) با عناوین اقتصادی یا مرتبط با اقتصاد، گویای اهمیت این قضیه نزد ایشان است. در واقع، تولید ملی از دیدگاه ایشان حداقل از چند جهت اهمیت دارد:

## ب) جهش تولید؛ لازمه قوی شدن و خنثی‌کننده توطئه‌های دشمن

هدف قرار دادن اقتصاد و معیشت، به‌منظور تهدید زندگی و معیشت مردم، ناکارآمد نشان دادن نظام و زمین‌گیر کردن آن، از جمله شیوه‌های دشمنی نظام سلطه با ملت ایران در سال‌های اخیر است؛ بنابراین، برای خنثی‌سازی و مقابله با این تهدید دشمن، باید راه‌حل و نقشه‌ی حساب‌شده و کارآمد داشت. حمایت از تولید داخلی و جهش آن از جمله این راه‌حل‌ها می‌باشد.<sup>۱</sup> ایشان یک وجه اهمیت جهش تولید را نیز قوی شدن دانستند و فرمودند: «جهش تولید» هم که بنده امسال مطرح کردم، در واقع از ابزارهای قدرت است. تولید [باید] جهش پیدا بکند؛ نه فقط رونق تولید که سال گذشته گفتیم. رونق تولید، یعنی در تولید یک حرکتی به وجود بیاید که این انجام‌گرفته است اما این کافی نیست. ما احتیاج به خیلی بیش از این داریم.»

۱. پیام نوروزی به مناسبت آغاز سال ۱۳۹۱

### ج) عبادی بودن حمایت از تولید

حمایت از تولید به سبب نقش مهمی که در حل مسائل کشور و مردم دارد، دارای اجر اخروی نیز می‌باشد. اجر اخروی و ثوابی که به سبب حمایت از تولید عاید نقش‌آفرینان این عرصه می‌شود، نقطه امید و نویدی است برای اینکه در کار خود، علی‌رغم نابسامانی‌ها، ضعف‌ها، نقص‌ها، بی‌توجهی‌ها، خلل‌ها و حتی سنگ‌اندازی‌های عمدی و غیرعمدی، دلسرد نشوند و در مقابل این قبیل موانع و مشکلات، تاب‌آوری خود را بالا ببرند.<sup>۱</sup>

### د) حمایت از تولید و کالای ایرانی؛ تضمینی برای آینده‌ی کشور

اکنون که اقتصاد و مسائل معیشتی در مقام پاشنه آشیل کشور، نقطه‌ای برای افزایش آسیب‌پذیری است، باید به طرق مختلف و از جمله، حمایت از تولید و کالای ایرانی، اصلاح الگوی مصرف و... به حل آن‌ها کمک کرد. بر این اساس، حمایت از کالای ایرانی، متوجه همه کسانی است که به آینده ایران و ایرانیان می‌اندیشند و بابت آن دغدغه دارند.<sup>۲</sup>

#### ۲. نویدبخشی

مصرف تولیدات ایرانی و اعتماد به ظرفیت‌های داخلی در کنار حمایت‌های مردمی و حمایت‌های مسئولان، از دیدگاه مقام

۱. ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی، ۸۷/۱/۱

۲. ر.ک: بیانات در دیدار مردم آذربایجان ۱۳۹۳/۱۱/۲۹

معظم رهبری، نسخه‌ای کارآمد برای حل مشکلات اقتصادی موجود، است. به عبارت دیگر، زمانی که اهمیت یک مسئله روشن شود، گام بعدی، امیدآفرینی برای تبدیل آن به واقعیت‌های معتبر است. بر این اساس، مقام معظم رهبری در نویدبخشی پیرامون اینکه حمایت از تولید داخلی می‌تواند راهگشا باشد، بر چند گزاره تأکید کرده‌اند:

### الف) اعتماد به تولیدات داخلی؛ نسخه‌ای کارآمد

از دیدگاه رهبری معظم انقلاب، تولیدات و کالاهای داخلی پاسخگوی نیازهای کشور است و چنانچه به آن‌ها اعتماد کرده و آن‌ها را در اولویت مصرف خود قرار دهیم، می‌توانیم، از بسیاری از واردات بکاهیم.

### ب) امکان‌پذیری عبور از سد تحریم

اعمال تحریم‌های ظالمانه اگرچه باعث ایجاد محدودیت‌ها و موانع جدی در سر راه رشد و توسعه‌ی اقتصادی کشور شده، اما این سد قابل عبور بوده و نمی‌تواند توان، نبوغ و ظرفیت‌های ایرانی برای تقویت تولید ملی را برای همیشه فلج کند. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرمایند: «بنده انکار نمی‌کنم که این تحریم‌های ظالمانه‌ای که دشمنان ملت ایران و دشمنان انقلاب بر ملت ایران تحمیل کرده‌اند تأثیر دارد؛ بلاشک بی‌تأثیر نیست، منتها این را من انکار می‌کنم که این تحریم‌ها بتواند جلوی

یک تلاش عمومی سازمان‌یافته‌ی برنامه‌ریزی‌شده برای رونق تولید را بگیرد؛ این را من قبول ندارم.»<sup>۱</sup>

### ج) درون‌گرایی راه‌حل مشکلات

اگرچه ظرفیت‌های خارجی می‌تواند به‌عنوان کاتالیزور در حل مشکلات کشور نقش داشته باشد، اما عمده‌ی راه‌حل، به کار بستن ظرفیت‌های درونی، تقویت تولید داخلی، جهش آن و مواردی از این دست می‌باشد. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: «مشکل اقتصادی کشور اگر بخواهد حل بشود، باید روی تولید متمرکز شد... کلید حل مشکلات اقتصادی در لوزان و ژنو و نیویورک نیست؛ در داخل کشور است.»<sup>۲</sup>

### ۳. الزامات و بایسته‌ها

بخش دیگر تأکیدهای مقام معظم رهبری برای تحول اقتصادی و جهش تولید، مربوط به الزامات و بایسته‌هایی است که باید در عمل مبنا قرار گیرد. در این زمینه، ایشان بر چند محور تأکید دارند:

۱. بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۴/۰۲/۰۹

۲. بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۴/۰۲/۰۹

## الف) بازنگری در واردات

از جمله مواردی که به منظور حمایت از تولید و کالای ایرانی مورد توجه مقام معظم رهبری است، پرهیز از واردات بی‌رویه کالاهای خارجی، ممنوعیت واردات کالاهای با مشابه داخلی و هدفمندسازی واردات است. ایشان در زمینه واردات نیز بر چند نکته تأکید دارند: نکوهش مصرف کالاهای خارجی<sup>۱</sup>، جلوگیری از واردات بی‌رویه<sup>۲</sup>، ممنوعیت استفاده از محصولات خارجی توسط دستگاه‌های دولتی<sup>۳</sup> و هدفمندسازی واردات؛ بدین معنا که واردات صرفاً باید محدود به مواردی باشد که در داخل توان تولیدی وجود ندارد و در سایر مواردی که مشابه داخلی وجود دارد و یا امکان تولید در داخل کشور هست، از واردات اجتناب شود.<sup>۴</sup>

## ب) مبارزه با قاچاق و شبکه‌های مافیایی

قاچاق کالا از دیدگاه رهبری، «بلائی بزرگ و سمّ تولید داخلی» است. ایشان در این زمینه بر مبارزه جدی و حتی آتش زدن کالاهای قاچاق تأکید دارند.<sup>۵</sup> معظم‌له به‌ویژه بر مبارزه با شبکه‌های مافیایی تأکید دارند نه کسانی چون کولبرها.

۱. همان

۲. بیانات مقام معظم رهبری در بازدید از توانمندی‌های صنعت خودروسازی، ۸۹/۱/۹

۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از نخبگان و برگزیدگان علمی، ۹۰/۷/۱۳

۴. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت، ۱۳۹۰/۰۶/۰۶

۵. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم ۱۳۹۵/۰۵/۱۱

### ج) کنار گذاشتن برند گرایی

برند گرایی چالش و مانعی برای جهش تولید است؛ زیرا یک روی افزایش و رونق واردات، افزایش میل به برند گرایی است. در واقع، برند گرایی از آنجاکه ارضای هوس‌های شخصی، با هزینه‌ی ضربه به منافع عمومی و کلان می‌باشد، به زیان حیات اقتصادی کشور است و باید کنار گذاشته شود. به عبارتی، کاهش میل به برند گرایی و کنار گذاشتن آن، یکی از راه‌هایی که مصرف‌کنندگان می‌توانند به رونق و جهش تولید داخلی کمک کنند.<sup>۱</sup>

ایشان همچنین در تقبیح برند گرایی و ضررهای آن می‌فرمایند: «تولید داخلی احتیاج دارد به مصرف داخلی؛ این به عهده‌ی مردم است. مصرف خودمان را باید از تولیدات خودمان انتخاب کنیم. اینکه کسانی همه‌اش دنبال مارک‌ها و برندهای خارجی و اسم‌های خارجی باشند، خطاست؛ فرونشاندن یک هوس شخصی است، اما ضربه زدن به یک کار عمومی و اصلی است.»<sup>۲</sup>

### د) استمرار ثبات در قوانین

وجود ثبات در فضای اقتصادی (فضای کسب‌وکار) از مهم‌ترین الزامات جهش تولید است. در این زمینه، یکی از بدیهی‌ترین

۱. بیانات در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۴/۰۲/۰۹

۲. بیانات مقام معظم رهبری در اجتماع مردم اسفراین، ۱۳۹۱/۰۷/۲۲



اصول، ثبات قوانین مرتبط با مسائل اقتصادی است.<sup>۱</sup>

### و) تعصب و احساس مسئولیت مردمی

تعصب و احساس مسئولیت در کنار تولیدکنندگان، سرمایه‌گذاران (بخش خصوصی) و مصرف‌کنندگان (مردم)، رکن چهارمی برای جهش تولید داخلی است و بلکه مکمل سایر ارکان است؛ زیرا چنانچه تعصب و تعهد عمومی به مصرف تولیدات ایرانی وجود داشته باشد، این مایه‌ی دلگرمی و امیدواری تولیدکنندگان و سرمایه‌گذاران بوده و رونق و بهبود اقتصادی را به دنبال می‌آورد.<sup>۲</sup>

### ی) تولید کالاهای معتبر بادوام، زیبا و فاخر

شاید بتوان گفت که مهم‌ترین الزام برای جهش تولید، تولید کالاهای ایرانی به صورتی است که قابل رقابت با نمونه‌های خارجی باشد و در یک کلام، پاسخگو و برآورنده نیازها و انتظارات مصرف‌کنندگان باشد. در این صورت، از میزان تمایل به مصرف کالاهای خارجی و بی‌اعتمادی به کالاهای داخلی به میزان زیادی کاسته خواهد شد: «ما باید کاری کنیم که کالای ایرانی به‌عنوان یک کالای محکم، مطلوب، زیبا، همراه با سلیقه و بادوام در ذهن مصرف‌کننده ایرانی و غیر ایرانی باقی بماند.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارگران سراسر کشور، ۱۳۹۴/۰۲/۰۹

۲. ر.ک: بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دانشگاهیان سمنان، ۸۵/۸/۱۸

این باید همت مجموعه کارآفرینی و کارگری و متصدیان این امر باشد. البته این کار، پیش‌نیازهایی دارد... ما باید همتان را بر این قرار بدهیم؛ ایجاد محصول بادوام، زیبا و فاخر. این، یک کار کلان است.<sup>۱</sup>

### موانع جهش تولید

موانع جهش تولید را می‌توان به دودسته فرهنگی و اقتصادی - سیاسی تقسیم کرد که در اینجا به‌منظور رعایت اختصار از بیان موانع فرهنگی خودداری می‌شود؛ بنابراین، مهم‌ترین موانع اقتصادی - سیاسی جهش تولید عبارت‌اند از:

#### ۱. اقتصاد نفتی

رونق و جهش تولید در برخی کشورها، به‌طور عمده در شرایط کمبود و فشار رخ داده است. حال در ایران، به‌واسطه تغذیه‌ی دولت‌ها از درآمدهای نفتی، نوعی درآمد و رفاه حداقلی در جامعه ایجاد شده و حتی در مواقعی به «بیماری هلندی» دامن زده شده که پیامد آن، ایجاد شرایط رفاه نسبی است، درحالی‌که ظرفیت‌های تولیدی کشور فاقد توانایی لازم برای ایجاد این رفاه است؛ بنابراین، ترجیح داده می‌شود که نیازهای بازار مصرف داخلی از طریق واردات پاسخ داده شود.

۱. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار هزاران نفر از کارگران سراسر کشور، ۹۰/۲/۷

## ۲. اقتصاد دولتی

دولتی بودن اقتصاد یکی از چالش‌های جهش تولید است که به‌واسطه تغذیه دولت از منابع نفتی میسر شده است. در اقتصاد دولتی، دولت به‌صورت کارگزار اصلی؛ به‌صورت تولیدکننده و سرمایه‌گذار اصلی و عمده درآمد و همه‌چیز حول محور آن تعریف می‌شود؛ بنابراین، در این شرایط، زمینه و بستر لازم برای رشد بخش خصوصی و توسعه‌ی خصوصی‌سازی، به‌عنوان یکی از راهبردهای جهش تولید از میان می‌رود.

## ۳. جولان رقبای تولید

تولید در کشور با رقبای قدرتمندی دست‌وپنجه نرم می‌کند که جهش آن را به ستیز کشانده‌اند. مهم‌ترین این رقبا عبارت‌اند از:

**الف) واردات بی‌رویه:** منظور از واردات به‌عنوان چالش و مانعی برای جهش تولید، واردات کالاهایی است که اولاً مشابه داخلی دارند و ثانیاً کالاهای مصرفی‌اند و نه سرمایه‌ای. به عبارتی، آفت واردات به کشور این است که این واردات، مکمل تولید داخلی برای رفع نیازهای بازار نیست، بلکه رقیب تولید داخلی است. در واقع، واردات به ایران هم هوشمند نیست، هم از الگوی خاصی پیروی نمی‌کند و هم به میزان زیادی، از طریق راه‌های غیرقانونی چون مافیا و قاچاق وارد کشور می‌شود. قابل‌ذکر است که کالاهای مصرفی در یازده ماهه اول سال ۱۳۹۷ حدود ۱۶ درصد از کل حجم واردات کشور را به خود اختصاص داده

است؛ رقمی که با حجم واردات کالاهای سرمایه‌ای برابری می‌کند.<sup>۱</sup>

**ب) فساد:** متأثر از چالش‌های مختلف، تولید در ایران با عارضه‌ی بزرگی به نام شبکه‌های فساد و مافیای دست‌وپنجه نرم می‌کند. آمار میزان فساد و شاخص ادراک فساد در ایران که هر ساله از سوی سازمان مردم‌نهاد «شفافیت بین‌الملل» اعلام می‌شود، نمره و وضعیت مناسبی ندارد. ایران در گزارش سال ۹۸ سازمان شفافیت بین‌الملل در مورد شاخص ادراک فساد، در رتبه ۱۴۶ جهان (در میان ۱۷۶ کشور) قرار گرفته است. ایران در سال‌های اخیر هرگز نتوانسته است رتبه‌ای بهتر از ۱۲۰ در شاخص مذکور کسب کند.<sup>۲</sup>

**ج) نظام بانکی:** نظام بانکی در تمام دنیا، حلقه اتصال و محور بخش‌های مختلف اقتصادی با یکدیگر است و با تجهیز و تخصیص صحیح و مناسب منابع بانکی به بخش‌های تولیدی و خلق ثروت، بستر رشد و توسعه اقتصادی را فراهم می‌کند؛ اما در کشور ما، این بخش به دلیل مشکلات ساختاری، قانونی و اجرایی، نه تنها کمک شایان توجهی به حل مشکلات نظام اقتصادی و تولیدی کشور نکرده، بلکه در مواردی، موانع و مشکلات جدی‌ای را در مسیر تولید و توزیع مناسب ثروت ایجاد کرده است.

در یک نگاه کلی، از بنگاهداری بانک‌ها، نرخ بالای سود بانکی، نرخ بالای بهره‌ی بانکی و حتی دادن بهره به سپرده‌های کوتاه‌مدت، فعالیت بانک‌ها در بازارهای غیرمولد، دولتی بودن بانک‌ها و در نتیجه، تأثیرپذیری نظام بانکی از اقتصاد دولتی و

۱. سازمان توسعه تجارت ایران (۱۳۹۷)، «گزارش عملکرد تجارت خارجی کشور (یازده‌ماهه سال ۹۷)»، ص ۱۵، در: [www.tpo.ir](http://www.tpo.ir)

۲. «رتبه «فساد» ایران در سال ۲۰۱۹ چند بود؟»، در: [www.tabnak.ir](http://www.tabnak.ir)

تصمیمات سیاسی، گرایش بانک‌ها به سمت بنگاه‌های بزرگ و شرکت‌های با توان مالی بالا؛ به‌طوری‌که طبق آمار سال ۹۵، ۵۰ درصد سرمایه بانک‌ها در اختیار دو درصد سپرده‌گذاران بانکی قرار دارد و در نقطه‌ی مقابل این، عدم حمایت جدی از بنگاه‌های کوچک و متوسط، خصوصی‌سازی ابتر بانک‌ها و رشد بانک‌های خصوصی؛ بانک‌هایی که متعلق به سرمایه‌دارانی‌اند که در راستای اهداف شخصی و نه منافع کشور برای جذب مشتری و اعطای تسهیلات بیشتر تلاش می‌کنند، بی‌ثباتی نظام بانکی و سیاست‌های آن که مانعی عمده برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی است، حمایت نکردن جدی از کارآفرینی و ایده‌های نو با تأکید بر نظام وثیقه محوری و... به‌عنوان عمده‌ترین مشکلات نظام بانکی که مانع تولید است، اشاره کرده‌اند.<sup>۱</sup> بر این اساس، نظام بانکی کشور نه تنها در جهت حمایت از تولید قرار ندارد، بلکه در عمل خود مانعی جدی برای تولید است. **د) قاچاق:** قاچاق از چالش‌ها و موانع جدی جهش تولید است که خسارت آن شاید بیشتر از سایر چالش‌ها هم باشد؛ زیرا اساساً قاچاق یک روش بسیار کم‌هزینه و سریع برای نابودی تولید داخلی است. آمارهای ۱۲ تا ۲۰ میلیارد دلاری قاچاق در کشور گویای میزان خسارت این پدیده بر حیات تولید در کشور است.

۱. علی قاسمی، «اُزیر خطر برای بانک‌ها به صدا درآمده است»، در: <http://basirat.ir> و پژوهش خبری صداوسیما، «سایه مشکلات نظام بانکی بر تولید و خلق ثروت»، در: <http://www.iribnews.ir>. برای آشنایی جزئی‌تر و دقیق‌تر با مشکلات نظام بانکی می‌توان به سلسله گزارش‌های آسیب‌شناسی نظام بانکی که در سال ۱۳۹۵ مرکز پژوهش‌های مجلس منتشر کرده است، رجوع کرد.

#### ۴. صعوبت فضای کسب‌وکار

فضای کسب‌وکار از جمله عوامل و متغیرهایی است که در راه‌اندازی، سودآوری و تداوم فعالیت‌های مولد اقتصادی در یک کشور تأثیر تعیین‌کننده دارد. بر این اساس، به میزانی که وضعیت شاخص‌های کسب‌وکار در یک کشور بهبود یافته باشد، امکان اشتغال‌آفرینی و رونق اقتصادی بالا می‌رود. حال با توجه به اهمیت این شاخص، اوضاع ایران در میان کشورهای جهان، اوضاع چندان مطلوبی نیست، به‌گونه‌ای که در آخرین گزارش بانک جهانی در خصوص شاخص فضای کسب‌وکار در سال ۲۰۱۹، در میان ۱۹۰ کشور جهان، رتبه‌ی ایران ۱۲۷ می‌باشد.<sup>۱</sup>

نمره بالای ایران در این شاخص نشان می‌دهد که راه‌اندازی، سودآوری و استمرار کسب‌وکارها در ایران با مشکل جدی مواجه است. در نتیجه این وضعیت، تولید و کالای ایرانی در قدم نخست خود با چالش‌های جدی مواجه است. مسلم است در این وضعیت که تولیدکننده و سرمایه‌گذار ایرانی و حتی خارجی با موانع زیادی مواجه است، میل به تولید کاسته خواهد شد و در نتیجه، تولید با جهش مواجه نخواهد شد.

#### ۵. جهت‌گیری‌های اقتصادی برون‌نگر

این جهت‌گیری‌ها در مدیریت اقتصادی، یکی از موانع جهش تولید می‌باشد؛ زیرا حاکمیت این جهت‌گیری‌ها بر اقتصاد

1. [www.doingbusiness.org](http://www.doingbusiness.org)

کشور، سبب غفلت از عوامل و منابع تولید در داخل کشور می‌شود. در واقع، با وجود این جهت‌گیری‌ها، علی‌رغم وجود عوامل و زمینه‌های لازم برای جهش تولید، اما این عوامل همچنان به‌صورت بالقوه نگه‌داشته شده و انگیزه چندانی برای فعال‌سازی آن‌ها شکل نمی‌گیرد.

### ۶. یک‌جانبه‌گرایی غرب محور

این مورد که به‌نوعی تجلی برون‌گرایی در مدیریت اقتصاد کشور است، بدین معناست که همواره در تعاملات اقتصادی با دنیا، بیش از آنکه درصد تعامل با مجموعه‌ی کشورهای دنیا باشیم، تلاش شده تا تعاملات اقتصادی بیشتر معطوف به کشورهای غربی باشد. حال آنکه کشورهای شرقی و به‌ویژه همسایگان نیز از پتانسیل‌های اقتصادی بی‌نظیری برخوردارند که تعامل گسترده با آنان، برای جهش تولید داخلی بیشتر اهمیت دارد. ضمن اینکه باید توجه داشت که یک‌جانبه‌گرایی غرب محور در سیاست خارجی، اتفاقاً با جهش تولید منافات دارد؛ زیرا اولاً پتانسیل‌های تولیدی کشور در مقایسه با کشورهای غربی محدود بوده و ثانیاً کشورهای غربی در تعامل اقتصادی با ایران، بیش از هر چیزی، درصدد تسخیر بازار مصرف گسترده ایران هستند نه ارتقای وضعیت تولید در ایران.

### میان‌برهای جهش تولید

علی‌رغم وجود موانع متعدد برای جهش تولید، با توجه به امکانات و فرصت‌هایی که در این زمینه وجود دارد، می‌توان جهش

تولید را از حد شعار فراتر برد و به واقعیتی عینی در کشور تبدیل کرد. از این‌رو، سؤال این است که چه فرصت‌ها و امکاناتی برای جهش تولید وجود دارد و برای بهینه‌سازی آن‌ها چه باید کرد؟ از این فرصت‌ها و امکانات می‌توان با عنوان «میان‌بر» یاد کرد؛ یعنی فرصت‌ها و امکاناتی که به‌صورت بالقوه و بالفعل در کشور وجود دارد و بهره‌برداری از آن‌ها یا بهینه‌سازی بهره‌برداری از آن‌ها می‌تواند در تحقق شعار جهش تولید مؤثر باشد. این موارد را می‌توان به دودسته داخلی و خارجی تقسیم کرد.

### ۱. میان‌برهای داخلی

**الف) دارا بودن عوامل و منابع تولید:** منابع یا عوامل تولید عبارت‌اند از: منابع طبیعی، منابع انسانی (میزان جمعیت، نحوه ترکیب و میزان تخصص آن‌ها)، سرمایه مادی (کلیه کالاهای سرمایه‌ای که فعالیت‌های تولید با استفاده از آن‌ها انجام می‌شود، اعم از ثروت مادی یا وسایل موردنیاز برای تولید)، دانش و فناوری که حاصل ترکیب علم و عمل و نتیجه انباشت تجربیات تحقیقاتی مبتنی بر کوشش و اصلاح سعی و خطا است.<sup>۱</sup> ایران به لحاظ دارا بودن مجموعه این عوامل و منابع موقعیت ممتازی دارد که به‌منظور رعایت اختصار از ذکر جزئیات آن‌ها خودداری می‌شود.

بدون شک باوجود مجموعه‌ی این عوامل، حداقل‌های لازم یا شرط لازم برای جهش تولید در کشور وجود دارد و از این جهت، جهش تولید می‌تواند فراتر از شعار رفته و به واقعیتی عینی تبدیل شود؛ بنابراین، مسئله اساسی در ارتباط با جهش تولید،

۱. محمود فنadan (۱۳۸۶)، کلیات علم اقتصاد، تهران: دانشگاه تهران، صص ۱۰۸-۱۰۳



داشتن یا نداشتن ظرفیت‌های لازم نیست، بلکه همانا راهبرد مناسب برای شکوفایی ظرفیت‌های موجود در اقتصاد کشور است. این مهم اقدامی سیاست‌گذارانه است و وابسته به خط‌مشی‌گذاری و کیفیت مدیریت اقتصاد کشور است.

**ب) موقعیت ویژه ژئوپلیتیکی:** ایران به‌واسطه موقعیت گذرگاهی‌اش در مرکزیت مناطق متداخلی قرار دارد، ایران در مرکز تلاقی محورهای تولید و مصرف انرژی جهان قرار دارد؛ در محور عمودی شمالی - جنوبی در مرکز دو منبع انرژی خلیج‌فارس و آسیای میانه و قفقاز قرار دارد و در محور شرقی - غربی نیز در مرکز دو منطقه مصرف‌کننده انرژی شرق آسیا و اروپا قرار دارد و این یعنی ایران موقعیت توزیع‌کنندگی ممتازی دارد.<sup>۱</sup> ایران به آب‌های آزاد بین‌المللی دسترسی دارد، کنترل تنگه هرمز، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین تنگه‌های راهبردی دنیا را در اختیار دارد، با حدود ۱۵ کشور همسایه است، از عمق استراتژیک مطلوبی در داخل و در سطح منطقه برخوردار است و... در همین راستا می‌توان به تنوع آب‌وهوایی و اقلیمی در ایران و هم‌زیستی اقلیم‌های گرم و خشک، کوهستانی و مرطوب در ایران اشاره کرد که به آن ظرفیت تنوع در تولید انواع محصولات باغی و کشاورزی، گردشگری و... داده است. به لحاظ سرزمینی نیز ایران با هشت کشور مرزهای زمینی مشترک داشته و با هفت کشور دیگر به‌واسطه مرزهای دریایی همسایه محسوب می‌شود که به‌واسطه این موقعیت، می‌تواند با بازار ۶۵۰ میلیونی مجموع این کشورها تماس برقرار کند.

۱. ر.ک: پیروز مجتهدزاده، «از خلیج‌فارس تا دریای خزر از ایده‌های ژئوپلیتیک تا واقعیت‌های ایرانی»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۱۰-۱۰۹،

نکته مهم در این میان، فعال‌سازی ظرفیت‌های دیپلماتیک و اقتصادی کشور، برای توسعه مناسبات با کشورهای همسایه، بر اساس مزیت‌های ژئوپلیتیکی مذکور است؛ اقدامی که می‌تواند جهش تولید را واقعاً محقق سازد. به‌عنوان مثال، بخشی از این ظرفیت‌ها، شامل کشورهای اوراسیا می‌باشد که تا اواسط سال قبل، علی‌رغم همه مزیت‌هایی که ایران در ارتباط با این کشورها دارد، حجم مبادلات ما با مجموعه‌ی کشورهای اوراسیا، کمتر از دو میلیارد دلار بود. حال آنکه ایران فقط در یک مورد، به لحاظ صادرات محصولات کشاورزی، از ظرفیت‌های مناسبی برای توسعه روابط اقتصادی با این کشورها برخوردار است؛ اقدامی که می‌تواند به جهش تولیدات کشاورزی منجر شود. بهره‌برداری از این ظرفیت‌ها در گام اول ملزم درک موقعیت و مزیت‌های مذکور و سپس فعال‌سازی دیپلماسی اقتصادی است. مثال دقیق‌تر در این زمینه، کشور عراق است که روزانه حدود ۲۰۰۰ کامیون کالا از ایران خریداری می‌کند که رقم آن در سال در حدود ۲۰ میلیارد دلار تخمین زده شده است. حال اگر همین میزان ارتباط با دیگر کشورها برقرار شود، جهش تولید به معنای واقعی کلمه در داخل محقق خواهد شد.

**ج) بازار مصرف گسترده:** بازار مصرف ۸۰ میلیونی کشور ظرفیت بالقوه و مناسبی برای تقویت و جهش تولید داخلی است. درواقع، باوجود این بازار و پتانسیل‌های آن، می‌توان امیدوار بود که چنانچه کالاهای باکیفیت و فاخر به آن عرضه شود، با مشکل عدم تقاضای مؤثر مواجه نخواهد شد. به‌عبارت‌دیگر، ظرفیت‌های بازار، با توجه به جمعیت بالای کشور و ترکیب این جمعیت که بیشتر جوان بوده و نیازهای بیشتری دارند، این اطمینان را به سرمایه‌گذاران و تولیدکنندگان داخلی می‌دهد که چنانچه آن‌ها نیاز بازار را به‌خوبی تشخیص دهند و خطوط تولید خود را در راستای پاسخگویی به این نیازها به‌کارگیرند، به تعبیر عامیانه، کالا روی دست آن‌ها نمانده و به فروش می‌رسد. در همین راستا باید یادآور شد که وجود برخی آئین‌ها و

روزهای خاص در فرهنگ و آداب و رسوم ملی ما اعیاد مذهبی، شب یلدا، آئین باستانی نوروز و... که در آن، میزان تقاضا برای خرید به میزان بالایی افزایش می‌یابد، نیز ظرفیت و موقعیت مناسبی است تا سرمایه‌گذاران داخلی با درک بیشتر نیازمندی‌ها و جاذبه‌های آن‌ها، برای رونق تولید داخلی اقدام کنند.

مسلم است که «هوشمند سازی واردات» پیش‌نیاز و مهم‌ترین الزامی است که در ارتباط با بحث حاضر باید به آن توجه شود؛ زیرا در حوزه واردات، کشور با وضعیتی پارادوکسیکال مواجه است؛ از یک سو بخش زیادی از نیازهای بازار داخلی با واردات تأمین می‌شود که مضر به حال جهش تولید داخلی است و از سوی دیگر، بخشی از کالاهای وارداتی، مشابه داخلی ندارد. اتفاقاً در این گونه موقعیتی باید به هوشمند سازی واردات توجه جدی داشت که دارای سه رکن است: یکی ممنوعیت واردات کالاهایی است که مشابه داخلی دارند و دیگری، به جای تمرکز بر واردات کالاهای مصرفی، باید تلاش شود که کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای به کشور وارد شود. نکته‌ی سوم همانا جلوگیری از واردات کالاهای غیرضروری است؛ بنابراین، واردات باید متمرکز بر کالاهای سرمایه‌ای و مواردی باشد که مشابه داخلی ندارند.

**د) مزیت نسبی در تولید برخی کالاها:** یکی از ظرفیت‌های بالقوه‌ی ایران در اقتصاد جهانی، دارا بودن مزیت نسبی در تولید برخی کالاها است، به گونه‌ای که ایران در حدود ۴۰ قلم کالا به نسبت سایر کشورهای جهان، از مزیت نسبی برخوردار است. حال با دارا بودن چنین ظرفیتی، با سرمایه‌گذاری بر روی تقویت توان تولیدی، هم‌اکنون کمیت و هم‌اکنون کیفیت، در این حوزه‌ها، می‌توان به جهش تولید و اشتغال‌زایی پایدار پرداخت؛ زیرا با توجه به مزیت نسبی ایران در این حوزه‌ها، کشورهای دیگر مجبور به خرید از ایران بوده و این کالاها روی دست تولیدکننده داخلی باقی نمی‌ماند. قابل‌ذکر است که بیشتر مزیت‌های صادراتی ایران مربوط به

محصولات معدنی و صنایع معدنی نظیر سیمان، محصولات پتروشیمی، فرآورده‌های نفتی، مواد اولیه و محصولات کشاورزی است. به‌عنوان مثال، فقط زعفران ایرانی با اختصاص بیش از ۹۵ درصد تولید زعفران جهان به خود، به ۴۵ کشور جهان صادر می‌شود.<sup>۱</sup> (و) **بازار سرمایه:** بازار بورس یکی از ظرفیت‌های مهمی است که در سال‌های اخیر بیش‌از‌پیش فعال شده و جهت‌دهی هر چه بیشتر آن به سمت تولید می‌تواند باعث جهش در این حوزه شود؛ زیرا به‌واسطه تغذیه شرکت‌ها و واحدهای تولیدی، به‌راحتی می‌توان مشکلات مربوط به نقدینگی این واحدها را حل و رفع کرد. از سوی دیگر، بازار بورس اکنون ابزار راهبردی مناسبی برای کاستن از دامنه‌ی بازارهای موازی تولید مانند دلالی، سفته‌بازی، بازارهای ارز و طلا و... است. به‌طور خلاصه، بازار بورس اکنون ظرفیت مناسبی است که به‌واسطه آن می‌توان نقدینگی موجود در جامعه را به سمت تولید هدایت کرد. به نظر می‌رسد امسال دولت اهمیت این مهم را دریافته است.

**ی) استفاده از ظرفیت‌های دانش‌بنیان:** این موضوع نیز از چند جهت حائز اهمیت جدی است؛ اول اینکه در سطح دنیا شاهد افزایش دانش‌محوری و دانش‌بنیانی اقتصادها هستیم، دوم اینکه در سال‌های اخیر در داخل کشور پیشرفت‌های قابل توجهی در دستیابی به دانش‌های راهبردی صورت گرفته است؛ بنابراین، برای افزایش کیفیت و رقابت‌پذیری کالاهای ایرانی باید تلاش شود تا از یافته‌های علمی و روش‌ها و ابزارهایی که این پیشرفت‌ها می‌تواند در خدمت اقتصاد و تولید قرار دهد، بهره‌برداری شود.

۱. «ایران در چه کالاهای صادراتی مزیت نسبی دارد؟»، در: <http://www.iktvtv.ir>

## ۲. امکانات خارجی

**الف) نفوذ منطقه‌ای:** نفوذ گسترده و تعیین‌کننده‌ی جمهوری اسلامی در منطقه، به‌ویژه در عراق، سوریه، لبنان، افغانستان و... عامل و زمینه‌ای برای تعمیق و توسعه‌ی مناسبات اقتصادی با این کشورها است. در واقع، به سبب حضور و نفوذ گسترده در این کشورها، هم زمینه و امکان بیشتری برای کشف ظرفیت‌های بکر سرمایه‌گذاری و جذابیت‌های بازار این کشورها وجود دارد و هم بر پایه‌ی این نفوذ، می‌توان به‌طور دو یا چندجانبه برای رفع موانع تجاری با آن‌ها اقدام کرد. حتی در حوزه‌هایی مانند ممنوعیت‌های مالی و بانکی به‌عنوان مثال، دسترسی به سیستم مبادلات دلاری که مرکز آن در آمریکا قرار دارد و هرگونه تراکنش دلاری در جهان باید با اجازه‌ی آمریکا صورت گیرد، می‌توان با انجام مبادلات پایاپای یا مبادله با ارزهای ملی، این قبیل موانع را نیز خنثی کرد. قابل‌ذکر است که این نفوذ می‌تواند بستر مناسبی برای خنثی‌سازی تحریم‌های ضدایرانی باشد؛ زیرا همان‌گونه که در مورد عراق گفته شد، و اگر همین میزان با سایر کشورهای منطقه که در آن‌ها نفوذ تعیین‌کننده داریم مانند سوریه و لبنان نیز تعامل اقتصادی داشته باشیم، به‌راستی می‌توانیم از وابستگی به نفت خلاص شده و گام مهمی برای خنثی‌سازی تحریم‌های ضدایرانی برداریم.

**ب) دایره وسیع فرهنگی و تمدنی:** هرچند ایران امروز به لحاظ جغرافیایی و تقسیمات سیاسی محدود به چارچوب جغرافیایی کنونی خود است، اما به لحاظ اقلیم فرهنگی و تمدنی، ایران دربرگیرنده‌ی بسیاری از سرزمین‌ها و مناطق در کشورهای همسایه است که همین ظرفیت می‌تواند عاملی برای اقبال از محصولات ایرانی، به‌ویژه در حوزه‌های سنتی و فرهنگی در این قبیل کشورها باشد.

ج) امکان برقراری ارتباط گسترده با کشورهای کمتر توسعه یافته: کشورهای کمتر توسعه یافته نیز می‌توانند ظرفیتی بالقوه برای تعمیق و توسعه مناسبات اقتصادی دو یا چندجانبه با جمهوری اسلامی ایران باشند. در واقع، این کشورها هم به سبب اشتراک در ماهیت مسائل اقتصادی با ایران و هم به نوعی تاریخ مشترک در زمینه‌ی توسعه نیافتگی و حضور مستقیم یا غیرمستقیم استعمار در دهه‌های گذشته از یک سو و وجود گرایش‌های استقلال طلبانه در برخی از آن‌ها، ظرفیت مناسبی برای همکاری اقتصادی و در ورای آن، ظرفیتی برای جهش تولید هستند. به عبارت دیگر، از آنجاکه جمهوری اسلامی در توسعه‌ی روابط اقتصادی خود با سایر کشورها در صدد سلطه‌گری نیست، از ظرفیت مناسبی برای برقراری ارتباطات و تعاملات اقتصادی با کشورهای کمتر توسعه یافته برخوردار است. شایان توجه است که با توجه به اینکه بسیاری از کالاها و صنایع داخلی قادر به رقابت با گونه‌های مشابه خارجی، به ویژه آن‌هایی که در کشورهای توسعه یافته تولید و ارائه می‌شود، نیست و از سویی، با توجه به نیاز این کشورها به این قبیل کالاها، صنایع و خدمات، اقدام به توسعه و تعمیق روابط با آن‌ها در اساس نوعی بازاریابی برای عرضه‌ی کالاها و تولیدات داخل کشور، در راستای ارزآوری، حل مشکل اشتغال و جهش تولید در داخل است.

د) ایرانیان خارج از کشور: هر چند که ایرانیان خارج از کشور در نهایت جزء ظرفیت‌های داخلی کشور محسوب می‌شوند، اما چون فعالیت آن‌ها در خارج از کشور انجام می‌شود، می‌توان آن‌ها را در زمره ظرفیت‌های خارجی نیز قرار داد. در واقع، ایرانیان خارج از کشور، بخشی از ظرفیت ایران برای افزایش تولید ناخالص ملی می‌باشند. بنابراین، می‌توانند در زمره‌ی ظرفیت‌های بالقوه و حتی بالفعل برای جهش تولید قرار گیرند. به گفته رئیس مرکز ایرانیان خارج از کشور، سرمایه‌های ایرانیان خارج از کشور بالغ بر ۲۵ هزار میلیارد دلار است و در میان جمعیت بالای پنج میلیون نفری ایرانیان خارج از کشور، بیش از ۳۷۰

هزار نفر پروفیسور، نخبه و کارشناس ایرانی در خارج از کشور وجود دارد.<sup>۱</sup> به‌طور طبیعی، حجم بسیار بالای سرمایه‌های این هم‌وطنان، در صورت انتقال به داخل کشور، ظرفیت مناسبی برای جذب و تقویت سرمایه‌گذاری خارجی و رشد تشکیل سرمایه ثابت در کشور است. این هم‌وطنان همچنین در انتقال فناوری، علوم پیشرفته و پایه و فعالیت‌های پژوهشی، با توجه به توانایی‌هایی که در دانشگاه‌ها و مراکز علمی مهم و معتبر دنیا دارند، می‌توانند مؤثر باشند و به‌تبع آن، در کلیت جهش تولید کشورمان تأثیر مثبت داشته باشند.

**(و اقدام برای کاهش وابستگی به دلار:** یکی از مهم‌ترین موانع جهش تولید در کشور، تحریم‌های خارجی، به‌ویژه در حوزه مالی است. تحریم دسترسی به سیستم معاملات دلاری (که قبلاً از طریق کشور ثالث (سوئیس) انجام می‌شد و به Utum مشهور بود)، تحریم ابزارهای نقل و انتقال پولی مانند سوئیفت و ال سی از مهم‌ترین و زیربنایی‌ترین تحریم‌های مالی است که موانع مهمی برای صادرات و واردات و در کل، حیات اقتصادی کشور هستند. واقعیت آن است که رهایی کامل از این وضعیت دشوار است، اما با دیپلماسی قوی و اقتصادمحور می‌توان به کاهش اثرات سوء تحریم‌های مالی و بانکی اقدام کرد. انجام معامله با ارزهای ملی، استفاده از ارزهای دیجیتال، انجام معاملات پایاپای، انعقاد پیمان‌های دوجانبه پولی و... از مهم‌ترین شیوه‌هایی است که در اقتصاد بین‌الملل به‌عنوان شیوه‌هایی برای کاهش وابستگی به دلار از آن‌ها استفاده می‌شود و کشورهایی مانند چین امروزه به‌طور وسیعی از آن‌ها استفاده می‌کنند و باید از ظرفیت‌های چین و حتی کشورهایی مانند روسیه در این حوزه به‌خوبی استفاده کرد.

۱. «ایرانیان خارج از کشور ۲۵ هزار میلیارد دلار سرمایه دارند»، در: <https://www.mehrnews.com>

## نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد عزمی ملی، نگاهی انقلابی و روحیه‌ای جهادی لازم است تا از مقوله جهش تولید نردبانی برای پیشرفت و توسعه کشور ساخته شود و به «جهش تولید» فراتر از شعار، به‌مثابه راهبردی پیش برنده در حوزه اقتصادی نگریده شود که می‌تواند مشکلات و معضلات مزمن شده این بخش از کشور را حل نماید. البته این امر به الزامات و لوازمی نیاز دارد که باید همه افراد و نهادها و سازمان‌ها اعم از دولت و مجلس و نیروهای مسلح به‌صورت هم‌افزا، هماهنگ و با برنامه‌ریزی درست و تقسیم وظایف وارد این مقوله مهم شوند.

جهش تولید در واقع، انتخاب راه‌های میان‌بر و زودبازده برای جبران بخشی از عقب‌ماندگی‌هایی است که در سایه عملیاتی کردن نسخه‌های غربی و شرقی در ساحت اقتصادی کشور هم در رژیم گذشته و هم در مقطعی از عمر جمهوری اسلامی از سوی برخی دولت‌های پیشین عارض مردم کشور ما شده و ما را از توجه به داشته‌ها و توانمندی‌های داخلی و نظریات اقتصاد اسلامی به‌ویژه در بخش فعال‌سازی ظرفیت‌های مردمی و تعاونی‌ها غافل کرده است. مسلماً انقلابی از جنس انقلاب ۱۳۵۷ با رویکرد اقتصاد مقاومتی و مصون‌سازی اقتصاد کشور در برابر نوسان‌های ارزی، بلایای طبیعی و تکانه‌های تحریمی و تهدیدی دشمنان می‌طلبد تا در این مسیر گام گذاشت و شاهد رونق تولید و پیروزی رسیدن به اقتصادی خوداتکا، مقاوم و اسلامی را در آغوش کشید. دشمنان انقلاب به‌شدت روی این حوزه و آسیب‌پذیری‌های ما در بخش اقتصاد و معیشت حساب باز کرده‌اند که بی‌تردید، تنها راه حفظ استقلال و عزت مردم مؤمن و انقلابی ایران امروز به کار بستن تمام مساعی و



تلاش‌ها در رونق بخشی به اقتصاد و جهش دادن به تولید کشور است که خودم‌محور حل بسیاری از آسیب‌های دیگر اقتصادی و اجتماعی خواهد بود.

### اقتصاد ایران در دوره جمهوری اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی، به دلیل تهاجم عراق به ایران و شروع جنگ تحمیلی، عمده‌ی تمرکز مدیریت اقتصاد کلان کشور، معطوف به مدیریت شرایط بحرانی جنگ، جبران عقب‌ماندگی‌ها و رفع محرومیت‌ها در اقصی نقاط کشور معطوف بود. در واقع، علی‌رغم آنکه اقتصاد ایران در دهه‌ی اول انقلاب فاقد استراتژی مشخصی بود و بیشتر بر سیاست‌های موضعی، مقطعی، باز توزیعی و معطوف به تأمین عدالت اجتماعی بود، اما در همین برهه، به‌اندازه بیش از یک قرن اقدامات عمرانی و خدماتی در سراسر کشور انجام شد. حاصل این اقدامات، کاهش شکاف شهر و روستا بود که در دوره‌های بعدی نیز ادامه یافت، امروزه شکاف امکاناتی میان نقاط شهری و روستایی به میزان بسیار اندکی وجود دارد. در حوزه صنعتی نیز استراتژی خاصی برای صنعتی شدن وجود نداشته، اما در برهه‌هایی بر توسعه صادرات تأکید شده است. با وجود این، صنعت کشور بعد از پیروزی انقلاب دچار تحول کیفی و کمی فراوانی شده است، به‌ویژه در تولید فلزات سنگین مانند فولاد (تولید سالانه ۱۸ میلیون تن و داشتن رتبه اول تولید فولاد در منطقه) و آلومینیوم، تولید سیمان (تولید سالانه حدود ۹۰ میلیون تن و کسب رتبه هفتم تولید سیمان در دنیا و دوم در منطقه بعد از ترکیه)، تولید سالانه ۴۰۰ میلیون متر مربع کاشی و سرامیک و قرار گرفتن در زمره‌ی ۱۰ کشور برتر دنیا در تولید این محصولات، توسعه‌ی چشم‌گیر صنعت

پتروشیمی، به‌گونه‌ای که تولید محصولات پتروشیمی کشور بالغ بر ۶۵ میلیون تن است. در جمع‌بندی بخش صنعتی باید گفت که بعد از انقلاب، از ۱۸ درصد تولید ناخالص ملی در برهه‌ی قبل از انقلاب، به ۴۰ درصد رسیده و صادرات غیرنفتی از ۵۴ میلیون دلار در قبل از انقلاب، به ۳۱ میلیارد دلار در سال‌های اخیر رسیده؛ یعنی ۵۷ برابر شده است؛ بنابراین، مشخص است که تحول صنعتی کشور در دوره‌ی جمهوری اسلامی آهنگ فزاینده‌ای داشته است.

وجه دیگر تحول اقتصادی کشور، قدم گذاشتن در مسیرهای راهبردی و انحصاری چند قدرت محدود بود که در این زمینه می‌توان به دستیابی کشور به دانش‌های راهبردی و افزایش سهم شرکت‌های دانش‌بنیان در اقتصاد کشور اشاره کرد.

حوزه دیگر، کشاورزی است که پس از انقلاب اسلامی احیا شد؛ قبل از انقلاب بخش کشاورزی ایران تقریباً نابود و ایران به واردکننده بزرگ محصولات کشاورزی تبدیل شد، اما پس از انقلاب اسلامی، با توجه ویژه نظام به توسعه بخش کشاورزی، ایران به سمت خودکفایی در کالاهای استراتژیک مثل گندم حرکت کرد. بر اساس اعلام وزارت جهاد کشاورزی، تولیدات محصولات کشاورزی ایران در سال‌های اخیر به ۱۲۶ میلیون تن رسیده است. به‌این‌ترتیب، ۸۰ درصد از نیاز کشور از طریق تولید داخلی تأمین شده و خودکفایی ۸۰ درصدی در بخش کشاورزی ایجاد شده است. ایران به لحاظ جمعیتی در رتبه ۱۸ جهان قرار دارد، اما در تولید ۲۱ محصول کشاورزی رتبه‌های تک‌رقمی را بین کشورهای جهان به خود اختصاص داده است.

باین‌حال، اما این همه واقعیت‌های اقتصادی کشور نیست؛ زیرا از حدود یک دهه گذشته تاکنون، با اعمال تحریم‌های فلج‌کننده‌ی دنیای استکبار علیه کشورمان و نمایان شدن ضعف‌ها و چالش‌های ساختاری و مدیریتی موجود در اقتصاد کشور، مشکلات معیشتی به‌صورت مهم‌ترین «مسئله کشور» درآمده است. به‌طور مختصر درباره‌ی دلایل چرایی وضعیت اقتصادی

کشور باید به عدم وقوع انقلاب اقتصادی در کشور و تداوم ساختارها و رویه‌های از پیش موجود اشاره کرد. به‌عنوان مثال می‌توان به تداوم وابستگی ساختاری به نفت و دامن زدن به بیماری هلندی، عدم بهبود شاخص سهولت فضای کسب‌وکار در کشور، ضعف شفافیت اقتصادی، تداوم ساختارهای رانتهی، جولان رقبای تولید در اقتصاد کشور مانند واردات بی‌رویه، قاچاق و... اشاره کرد. پیامد مهم این وضعیت، قرار گرفتن ایران در دور باطل مبادله‌ی نابرابر و تداوم ویژگی‌های تاریخی - ساختاری اقتصاد ایران است. با توجه به آنچه گفته شد، اکنون سؤال این است که راه‌حل این مسئله کلان چیست؟ و آیا امکان حل این مشکلات وجود دارد یا اقتصاد ایران همچنان در گرداب وابستگی و محدودیت‌های توسعه وابسته غوطه‌ور خواهد ماند؟ پاسخ اجمالی به سؤال اول این است که مبادله نابرابر همواره به این به دلیل که ظرفیت‌های تولیدی در داخل کشور ضعیف بوده، بر اقتصاد ایران تحمیل شده است. آنچه در این میان، در طول تاریخ بر تداوم مبادله‌ی نابرابر کمک کرده نیز در حوزه سیاسی ریشه داشته است که از میان آن‌ها می‌توان برای دو عامل بیش از سایر عوامل نقش قائل بود؛ اول ماهیت دولت در ایران که بعد از جنگ‌های ایران و روس و نمایان شدن ضعف‌های ساخت سیاسی و نظامی کشور، ماهیت وابسته و حتی تحت‌الحمایه پیدا کرد که به همین دلیل، خود را مجبور به دادن امتیاز به بیگانگان می‌دید و دوم نقش تخریبی و سرکوبگر استعمار که عملکرد آن برای اقتصاد ایران، همواره محدودیت آفرین بوده است. در توضیح نقش استعمار در وابسته‌سازی اقتصاد ایران، همان‌گونه که در ابتدا گفته شد، باید اشاره کرد که از وقتی ایران در معرض نظام «تقسیم‌کار جهانی» قرار گرفت، نقشی که برای آن تعیین شد، چیزی جز غارت مواد خام آن و تسخیر بازار مصرفش نبود. در دوره‌های بعدی نیز به سبب آنکه می‌بایست نقش ایران در اقتصاد دنیا در تداوم همان نقش‌های سابق باشد، بنابراین، قدرت‌های خارجی هیچ‌گاه کمکی

به توسعه اقتصاد ایران نکردند؛ بنابراین، راه‌حل‌هایی از معضل اقتصادی در ایران، چیزی جز تقویت، رونق و جهش تولید نیست. البته تحقق آن صرفاً وابسته به متغیرهای اقتصادی نیست و در این میان، عوامل و متغیرهای سیاسی و سیاست‌گذارانه نقش جدی دارند.

### امکان‌های ایران برای خروج از وابستگی اقتصادی

علی‌رغم نامطلوب بودن اوضاع اقتصادی، اما بر اساس فراگردهای تاریخی و وضعیت موجود کشور، به نظر می‌رسد که ایران امروز از فرصت‌های بی‌نظیری برای خروج از دام‌هایی که در طول تاریخ پویایی حیات اقتصادی آن را محدود کرده‌اند، دارد. بر این اساس، سؤال این است که این فرصت‌ها کدام‌اند و چگونه می‌توانند موجب پویایی حیات اقتصادی کشور شوند؟ مهم‌ترین این عوامل و فرصت‌ها عبارت‌اند از:

#### ۱. داشتن استقلال سیاسی (قطع نفوذ خارجی و وابستگی سیاسی دولت به خارج)

نسبت وابستگی سیاسی و اقتصادی در تاریخ معاصر ایران، در قالب وابستگی سیاسی قابل تعریف است؛ از یک‌سو، ضعف سیاسی سبب می‌شد تا امتیازات اقتصادی ویرانگر به بیگانگان اعطا شود که در نهایت، وابستگی اقتصادی را تشدید می‌کرد و از سوی دیگر، اعطای همین امتیازات اقتصادی، پیامدهای ناگوار سیاسی در پی داشت. به‌عنوان مثال، در عهد قاجار، وقتی با اعتراضات مردمی، دولت ایران مجبور به لغو امتیاز رویتر شد، به‌عنوان غرامت مجبور شد تا امتیاز تأسیس بانک شاهنشاهی را

به رویتر واگذار کند. با واگذاری این امتیاز به رویتر، وی امتیاز انتشار اسکناس در ایران را به دست آورد. چند سال بعد، وقتی مجدداً با اعتراضات مردمی، امتیاز رژی (تنباکو) لغو شد. ناصرالدین‌شاه مجبور به پرداخت ۵۰۰ هزار پوند گرامت به شرکت رژی شد که آن را از بانک شاهنشاهی قرض گرفت. این قرض، نخستین استقراض خارجی در تاریخ ایران بود که البته تبعات ناگوار سیاسی (وابستگی به انگلیس) در پی داشت. مورد دیگر را در دوره رضاشاه و در جریان الغای قرارداد داری می‌بینیم که چگونه رضا شاه ابتدا این امتیاز را به بهانه‌ی اینکه حقوق ایران را تأمین نمی‌کند، آتش می‌زند، اما اندکی بعد مجبور می‌شود تا قرارداد ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) را با شرایطی بدتر از قرارداد داری با شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد کند. به دلیل این که حیات سیاسی رضاشاه وابسته به انگلیس بود.

باین‌حال، امروز جمهوری اسلامی ایران از استقلال سیاسی به معنای دقیق و اتم کلمه برخوردار است و با اتکا به این استقلال، مجبور به دادن امتیازات مخرب اقتصادی به بیگانگان نیست. حتی با اتکا به این مؤلفه مهم می‌تواند روابط اقتصادی خسارت‌بار با طرف‌های خارجی را محدود و قطع کند.

## ۲. توان دفاعی بازدارنده

همان‌گونه که در بررسی تاریخ معاصر ایران گفته شد، وابستگی سیاسی - اقتصادی ایران به دنیای خارج ابتدایه‌ساکن از ضعف قدرت نظامی ایران ریشه داشت که به سبب شکست در رویارویی‌های نظامی با روس و انگلیس، این دو کشور از تفوق نظامی خود برای کسب امتیازات اقتصادی از ایران و استثمار آن استفاده کردند. باین‌حال، اکنون این معضله با اتکا به ظرفیت‌های

درون‌زای دفاعی کشور برطرف شده و نه‌تنها سایه‌ی جنگ و تهدید به استفاده از ابزار نظامی از دست دشمنان خارج‌شده، بلکه اساساً با اتکا به همین توان دفاعی، در حوزه‌ی منطقه‌ای، دستاوردهای اقتصادی هم حاصل‌شده است که بهترین نمونه آن را می‌توان در توسعه‌ی روابط اقتصادی با کشور عراق دید که بعد از حضور مستشاری دفاعی ایران در این کشور، این اتفاق رقم خورده است.

### ۳. عنصر آگاهی سیاسی

به دلایل مختلف، امروزه عنصر آگاهی سیاسی که از عوامل معنوی (غیر ملموس) قدرت محسوب می‌شود، در کشور با قدرت حضور دارد و عنصری تعیین‌کننده در تعیین سرنوشت سیاسی کشور محسوب می‌شود. البته در طول تاریخ، ایرانیان همواره از این عنصر به‌اندازه کافی برخوردار بوده‌اند، اما به دلایلی چون ضعف توان دفاعی، وابستگی اقتصادی و سیاسی به خارج، سرسپردگی حاکمان و... این عنصر چندان در تعیین سرنوشت کشور (تا قبل از پیروزی انقلاب) تعیین‌کننده نبوده است. متکی بر همین عنصر که در عزت طلبی، استقلال طلبی و طرد سلطه‌ی خارجی، فرهنگ سیاسی مقاومت، تعالی‌گرایی، توسعه‌گرایی و... متجلی است، امروزه مردم به مدت حدود یک دهه است که در برابر شدیدترین فشارهای خارجی مقاومت می‌کنند. باز مبتنی بر این عامل، امروزه دغدغه و مسئله عمومی کشور، چگونگی حل مشکلات اقتصادی در عین حفظ استقلال و حاکمیت ملی است. در واقع، عنصر آگاهی سیاسی سبب شده تا مردم ایران، تحقق مشکلات اقتصادی را از هر راه خسارت‌باری دنبال نکنند. نکته مهم در این زمینه آن است که نظام نیز از این عنصر پاسداری می‌کند و مسیر حرکت آن مبتنی بر این عنصر تعریف شده است.

#### ۴. ظرفیت‌های بی‌نظیر اقتصادی

امروزه برخلاف گذشته ظرفیت‌های اقتصادی بی‌نظیری در کشور وجود دارد که با بهره‌برداری از آن‌ها می‌توان از مشکلات اقتصادی موجود گره‌گشایی کرد. به‌عنوان مثال، صنعت نفت که در طول تاریخ پایه‌ی اصلی نفوذ انگلیس در ایران بود، اکنون بومی‌سازی شده و مبتنی بر ظرفیت‌های داخلی اداره می‌شود. ایران در تولید حدود ۴۰ قلم کالا مزیت نسبی در سطح جهان دارد، در حوزه‌های هایتک و دانش‌های بنیادین، پیشرفت‌های شگرفی در کشور صورت گرفته است (حجم اقتصاد دانش‌بنیان ایران بالغ بر ۱۴۰۰ میلیارد تومان است که این رقم به‌واسطه فعالیت بیش از ۴ هزار و ۵۰۰ شرکت دانش‌بنیان که بیش از ۲۵ درصد آن‌ها در حوزه ارتباطات و فناوری اطلاعات فعالیت می‌کنند، محقق شده است)، منابع متعدد تولید از نیروی انسانی ماهر گرفته تا منابع طبیعی و علم و فناوری به‌وفور در کشور وجود دارد، ایران از تنوع آب و هوایی بی‌نظیری برخوردار است، از موقعیت ژئوپلیتیکی کریدوری برخوردار است که بر اساس آن در میان مراکز عمده‌ی تولید و مصرف انرژی در جهان قرار دارد، بزرگ‌ترین منابع نفتی و گازی (در مجموع این دو) جهان در ایران قرار دارد و... مبتنی بر این ظرفیت‌ها، اقتصاد ایران از شرایط لازم برای جهش و خروج از وابستگی به خارج برخوردار است.

در همین چارچوب، اگر تحریم‌ها را هم جزو فرصت‌های اقتصاد ایران بدانیم، سخنی بیهوده نگفته‌ایم. توضیح آنکه تحریم اگرچه در یک نگاه، چالشی بزرگ برای اقتصاد کشور است، اما در نگاهی دیگر، فرصت بزرگی هم محسوب می‌شود که علاوه بر نمایاندن ضعف‌ها و آسیب‌های اقتصاد ایران، اجباری ناخواسته برای رفع برخی بیماری‌های مزمن در اقتصاد ایران نیز

می‌باشد. از جمله بیماری‌های اقتصاد کشور، بی‌توجهی به رونق تولید داخل و گرفتار شدن در دام بیماری هلندی و واردات بی‌رویه کالاهای مصرفی است. حال تحریم از آنجاکه با ایجاد کمبود منابع درآمدی و دشواری (هزینه‌بر بودن) واردات به کشور در تأمین برخی کالاها در بازار خلل وارد می‌کند، فرصتی فراهم می‌کند تا در شرایط دشواری تأمین کالاها از خارج، به استعدادها و ظرفیت‌های تولیدی داخل روی بیاوریم تا با شکوفاسازی آن‌ها، نیازهای بازار مصرف داخلی را با تولیدات ایرانی تأمین کنیم. در واقع، با استفاده از تحریم می‌توان با راهبرد جایگزینی واردات به تقویت تولید داخل کمک کرد؛ یعنی به‌جای آنکه تلاش کنیم تا کالاهای موردنیاز خود را از خارج وارد کنیم، باید تلاش کنیم تا آن‌ها را خود در داخل تولید کنیم. تحت این شرایط، هم از ضریب اثرگذاری تحریم بر اقتصاد کشور کاسته می‌شود و هم با شکوفاسازی ظرفیت‌های تولید، اشتغال ایجادشده و بخشی از بیکاری حل و رفع می‌شود.

متأسفانه از برهه‌ی بعد از جنگ، حدود پنج بار کشور با تحریم و در پی آن، شوک‌های ارزی مواجه شده است که تاکنون از این فرصت به‌خوبی و به‌ترتیبی که گفته شد، استفاده چندان نشده است. باین‌حال باید توجه داشت که در نگاه کلان و بنیادی، تحریم یک فرصت است که می‌تواند رونق، شکوفایی و جهش را برای اقتصاد ایران در پی داشته باشد؛ به شرطی که نگاه‌ها به آن تغییر کرده و به‌جای تلاش صرف برای رفع تحریم‌های ضد ایرانی، بیشتر به خنثی‌سازی این تحریم‌ها اندیشیده شود. وضعیت اقتصاد ایران در تمهیدی تاریخی، صرفاً محصول عوامل و متغیرهای اقتصادی نیست، بلکه عوامل سیاسی داخلی و خارجی نیز در این زمینه تأثیر جدی دارند. نکته مهم برای رهایی از این وضعیت و حل مشکلات موجود آن است که امروز اقتصاد ایران فرصت بی‌نظیری برای حل چالش‌های موجود و تاریخی خود دارد. در واقع، عوامل تاریخی مانند فشارهای



خارجی همچنان بر سر اقتصاد ایران سنگینی می‌کند، اما از سوی دیگر، اکنون ظرفیت‌های بی‌نظیری اعم از سیاسی و اقتصادی در کشور وجود دارد که مبتنی بر آن‌ها می‌توان جهش اقتصادی در ایران را محقق ساخت. به‌طور دقیق‌تر، اکنون علی‌رغم فشارهای خارجی، برخی ظرفیت‌های سیاسی و اقتصادی در کشور ایجاد شده و مبتنی بر آن‌ها می‌توان چرخه باطل مبادله نابرابر در اقتصاد ایران را از بین برد. با وجود این، چرا اقتصاد ایران علی‌رغم ظرفیت‌سازی‌های صورت گرفته همچنان درگیر مسائلی به کیفیت گذشته است؟ اینکه چرا علی‌رغم داشتن ظرفیت‌های متعدد، تولید در کشور رونق ندارد و ما همچنان وابسته به واردات و مبادله‌ی نابرابر با خارج هستیم، ریشه در مدیریت نامطلوب اقتصاد کشور دارد. بر این اساس، راه‌حل مشکلات اقتصادی موجود را باید در حوزه سیاسی و مدیریتی جستجو کرد. به‌راستی اکنون در کنار داشتن فرصت‌های بی‌نظیر سیاسی - اقتصادی، از فرصت بی‌نظیری برای تغییر برخی انگاره‌های سیاست‌گذارانه‌ی برخی نخبگان نیز دارد تا به‌جای تلاش برای یارانه گرفتن از سیاست که به‌زعم آن‌ها از مسیر عدول نظام از آرمان‌هایش می‌گذرد، از انگاره‌های این‌چنینی عدول کنند و برای حل مشکلات اقتصاد ایران، به درون چشم بدوزند.

### دسته‌بندی دیگری از موانع جهش تولید

گفتمان سازی در حوزه اقتصاد یکی از اساسی‌ترین روش‌های غلبه بر چالش‌های مختلف پیش روی نظام اقتصادی است. بررسی روندها نشان می‌دهد دال مرکزی مطالبات اقتصادی رهبر معظم انقلاب‌تر سال‌های اخیر در انتخاب شعارهای سالانه تجلی یافته است. تدقیق در سیر گفتمان سازی مقام معظم رهبری بیانگر این است که مجموعه دیدگاه‌های معظم له، نظام

منسجمی در حوزه مفاهیم، ایده‌ها و نظریات در همه حوزه‌ها بوده که ساخت درونی قدرت همراه با عدالت یکی از عناصر اثباتی این گفتمان است. در این بین آنچه حائز اهمیت است اینکه در طول این سال‌ها امام خامنه‌ای به طرق مختلف خواسته‌ها و مطالبات اقتصادی خودشان را از مسئولین و مردم به‌طور مکرر بیان کرده‌اند ولی بسیاری از مطالبات معظم له مغفول مانده است. حال اگر بخشی از مطالبات معظم له با توجه به ظرفیت‌های بسیار بالای کشور عملیاتی می‌شد ما شاهد تورم بالا، بیکاری، افزایش نابرابری درآمدها، توزیع نامتوازن، فاصله طبقاتی، تبعیض‌ها، نابرابری‌های اجتماعی، مشکلات معیشتی و... نبودیم. حال سؤال اساسی که قابل طرح است اینکه چه عوامل و موانعی سبب شده است که مطالبات اقتصادی معظم له عملیاتی نگردد؟

## یکم) موانع بنیادی الف) در حوزه نظری

۱. تسلط جریان لیبرالی - نیاورانی در حوزه تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی اقتصاد کشور؛ به هم تنیدگی جریان لیبرالی در مدیریت‌های مختلف اقتصادی و رخنه عمیق در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی و برخورداری این جریان از منابع مالی فراوان و نفوذ در نهادهای مرجع اقتصادی به‌نوعی راه را بر جریان مدافع اقتصاد اسلامی بسته است. بررسی روندهای موجود نشان می‌دهد که به احتمال قوی این تفکر در آینده نقش بیشتری در تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری کلان اقتصادی کشور خواهد داشت و سیطره خود را بر مدیریت کشور افزون‌تر خواهد کرد. به نظر می‌رسد با توجه به قرابت بسیاری

از اقتصاددانان و بخشی از مسئولین به این تفکر، در آینده شکاف طرفداران اقتصاد لیبرالی و مدافعان اقتصاد اسلامی بیشتر شده و فاصله‌گیری جامعه اقتصادی کشور از اقتصاد اسلامی افزایش خواهد یافت.

**۲. ضعف در مدل‌سازی اقتصاد مبتنی بر نظام اسلامی؛** ضعف باور به اقتصاد اسلامی و درک ناصحیح از آن بین مسئولین و متولیان امر، رخنه تفکر لیبرالی در مراکز علمی و آموزشی- پژوهشی، کمبود منابع علمی اقتصاد اسلامی و نیروی انسانی باورمند به اقتصاد اسلامی و همچنین نبود اراده قوی برای نظام‌سازی اقتصادی باعث شده است بسیاری از مطالبات مقام معظم رهبری که قرابت بیشتر با این گفتمان دارد همچنان مغفول بماند.

**۳. فاصله‌گیری و کم‌اعتنایی آموزه‌های دینی در کاربست اقتصاد کشور؛** عدم تجربه حاکمیت دینی و بالتبع آن ناتوانی حوزه و دانشگاه در تدوین و تبیین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، غیررسمی و در حاشیه بودن تدریس متون اقتصاد اسلامی در نظام آموزشی حوزه، ابتناء رشته‌های مرتبط اقتصادی بر مبانی سکولاریستی و لیبرالیستی غرب، فقدان تربیت مدیران ارشد اقتصادی تراز انقلاب اسلامی، نفوذ عناصر لائیک و سکولار در بدنه مدیریت و لایه‌های عالی کارشناسی اقتصادی، عدم باورمندی به کارآمدی اقتصاد اسلامی در تصمیم‌سازان اقتصادی، اجرای نسخه صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی در بخش‌هایی از حوزه اقتصادی کشور باعث شده اقتصاد ایران از انحراف جدی از اصول و آرمان‌های اسلامی رنج ببرد و با چالش جدی ناکارآمدی دین در ارائه مدل اسلامی پیشرفت اقتصادی مواجه شود. دور شدن و فاصله گرفتن از آموزه‌های دینی و غلبه تدریجی سودگرایی، ناتوانی بانک‌ها در اجرای عقود اسلامی به دلیل فقدان زیرساخت‌های لازم و نبود سیستم نظارتی جامع، موجب غلبه گرایش به اقتصاد ربوی در چرخه معاملات بانکی شده و جامعه اسلامی را با گسترش ثروت‌های بادآورده،

افزایش شکاف طبقاتی و دوقطبی شدن تعارضات سبک زندگی دارا و ندار و مآلاً بحران عدالت اجتماعی کرده است.

### برای برون‌رفت از این معضلات چند نوع اقدام و مطالبه‌گری باید صورت گیرد:

- رایزنی با دانشگاه‌ها، مراکز علمی و پژوهشی و نهادها برای شناسایی، جذب و تربیت محققان و پژوهشگران حوزوی و دانشگاهی که ضمن برخورداری از دانش اقتصاد، مبانی دینی و تجربه مدیریت اقتصادی که دارای توان و قابلیت تولید مدل نظریه اقتصاد اسلامی و نقد تئوری‌های غربی باشد.
- هماهنگی و انسجام‌بخشی میان دانشگاه امام صادق (ع)، مؤسسه امام خمینی (ره)، سازمان اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه و... برای ایجاد هم‌افزایی ظرفیت‌ها و یافته‌های علمی اقتصاد اسلامی و جلوگیری از فعالیت‌های پراکنده و بخشی.
- گفتمان‌سازی اقتصاد اسلامی و تبیین تهدیدات شیوع تفکر اقتصاد لیبرالیستی و نقد کارآمدی اقتصاد سرمایه‌داری از طریق تشکیل جلسات روشنگری در حوزه‌های علمیه، دانشگاه‌ها و مراکز علمی و آموزشی
- شناسایی، کنترل و مهار عناصر معتقد به اقتصاد لیبرالی در لایه‌های عالی کارشناسی، تصمیم‌گیری و مدیریت اقتصادی و به‌موازات آن ایجاد زمینه و هدایت عناصر متدین، مجرب و متخصص در اقتصادی اسلامی برای تصدی مناصب عالی کارشناسی و حوزه‌های مدیریت اقتصادی
- هماهنگ کردن محققان و پژوهشگران حوزه و دانشگاه برای بررسی، بازطراحی، بازنگری و ارائه مدل مطلوب عملیات

بانکداری بدون ربا بر اساس آموزه‌های اسلامی و سپس ایجاد مطالبه‌گری برای تحقق بانک داری بدون ربا با استفاده از همه منابع و ظرفیت‌های تبلیغی و رسانه‌ای

- گفتمان سازی آموزه‌های دینی و طرد سوداگرایی صرف اقتصادی از طریق رسانه‌ها، نشریات و...

### ب) در حوزه رفتاری و عمل

۱. پیوند قدرت و ثروت در تولید رانت، فساد و انحصار؛ پیوند قدرت و ثروت و رویکرد معطوف به منافع شخصی بخشی از کارگزاران نظام در سطوح مختلف در بیش از چهار دهه از انقلاب اسلامی باعث شده است که ساختارهای نظام کارآیی لازم خود را ازدست‌داده و نارضایتی و بی‌اعتمادی مردم را در پی داشته باشد، زیرا ماحصل پیوند قدرت و ثروت در برخی ساختارهای کشور، تولید رانت و فساد بوده است.

۲. تشکیل باندهای مافیایی قاچاق کالا؛ قاچاق کالا و ارز پدیده‌ای چندوجهی شامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ... است که مهم‌ترین وجه آن اقتصادی است. از جنبه اقتصادی قاچاق کالا و ارز سبب خروج اقتصاد از مسیر سالم، شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی، کاهش تولید ناخالص ملی، افزایش بیکاری، کاهش سرمایه‌گذاری و تغییر الگوی مصرف و ... می‌شود. امروز این پدیده افزون بر اینکه یک تهدید جدی بر سر راه تجارت آزاد به شمار می‌آید، هزینه‌های زیادی را نیز به بدنه اقتصادی کشور تحمیل می‌کند. مضافاً بسیاری از کالاهایی که به‌صورت قاچاق وارد کشور می‌شود کالاهای مصرفی بوده و عمدتاً جزء کالاهای اساسی و موردنیاز مصرف‌کننده نبوده، بلکه قاچاقچیان سودجو با تبلیغات و ایجاد نیاز کاذب در

مصرف‌کننده به مصرف این کالاها در داخل کشور دامن می‌زند. ضمن اینکه بیشتر این کالاها به دلیل نظارت نکردن مراجع قانونی کیفیت پایینی دارند. گفتنی است، در حال حاضر مهم‌ترین رقیب تولید در کشور «قاچاق» است که باید جلوی آن گرفته شود. طبق اعلام آمارهای خروج کالا از بنادر سایر کشورها به سمت ایران، سالیانه حدود ۲۰ میلیارد دلار و در سال گذشته به دلیل گرانی نرخ ارز و مقرون‌به‌صرفه نبودن قاچاق، حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار کالای قاچاق وارد کشور شده است که بسیاری از این کالاها از اجناس بی‌کیفیت و ارزان‌قیمت است.

### پیامدهای اقتصادی ناشی از قاچاق کالا و ارز

- شکل‌گیری اقتصاد زیرزمینی و فرار مالیاتی و گمرکی؛
- کاهش درآمدهای دولت و افزایش کسری بودجه؛
- کاهش سطح تولید ناخالص ملی؛
- کاهش اشتغال و افزایش بیکاری؛
- هدر رفتن منابع ارزی کشور؛
- توزیع ناعادلانه درآمد و افزایش فاصله طبقاتی؛
- گسترش فرهنگ تجمل‌گرایی؛
- کاهش امنیت عمومی با فرار گسترده سرمایه؛

• کاهش تولیدات صنعتی داخلی. (در کل می‌توان گفت قاچاق کالا مانع تحقق جهش تولید در داخل کشور می‌شود که باید هوشمندانه با این موضوع برخورد شود).

۳- **واردات بی‌رویه کالاهای غیر ضروری؛** واردات بی‌رویه و دارای مشابه داخلی پاشنه آشیل اقتصاد ایران و آفت بخش تولید به شمار می‌آید. در این زمینه باید به نقش بنگاه‌های وابسته به کانون‌های قدرت و ثروت اشاره کرد که سود خود را تنها در واسطه‌گری و سرازیر کردن کالاهای مصرفی به بازار کشور می‌بینند و با این کار واحدهای تولیدی را با فشاری کمرشکن مواجه کرده‌اند که در چنین وضعیتی تولید نمی‌تواند به جهش برسد.

## دوم) موانع فرهنگی

«فرهنگ» همواره به‌منزله بزرگ‌ترین پیش‌نیاز نیل به توسعه همه‌جانبه در میان صاحب‌نظران مطرح بوده و هست و فرهنگ توسعه محور، همواره توده‌های گوناگون اجتماعی را به‌سوی دستیابی به آرمانی بزرگ که همان توسعه همه‌جانبه کشور است راهنمایی و هدایت می‌کند. متأسفانه، در کشور از نبود فرهنگ توسعه محور رنج فراوان برده‌ایم و این مسئله خود را در همه مراحل زندگی روزمره جامعه نشان داده است که در ادامه به چند نمونه آن اشاره می‌شود.

۱. **ادراک غلط در برتری کالای خارجی؛** بسیاری از ایرانیان بیش از آنکه تولیدات داخلی و بومی خود را مصرف کنند، در دوری باطل به خرید کالاهای خارجی روی می‌آورند. متأسفانه، سال‌هاست کشور ما با معضل ترویج مصرف کالاهای خارجی روبه‌رو بوده است؛ روندی که پس از گذشت دهه‌ها به فرهنگ تبدیل شده و همواره کالای خارجی بر کالای تولید داخل

ترجیح داده می‌شود. به نوعی می‌توان گفت، تولید کالای داخلی همچنان از بی‌توجهی و نگاه منفی رنج می‌برد و از آن استقبال نمی‌شود. با توجه به چرخه تولید، خرید هر کالای خارجی به معنای افزایش اشتغال خارجی و در مقابل فراهم شدن شرایط برای تعطیل شدن صنایع داخلی و بیکاری بیشتر نیروی کار است. در واقع، واردات فشار مضاعفی را بر تولیدکننده داخلی وارد می‌کند. البته ناگفته نماند که استفاده نکردن از کالاهای خارجی فقط شامل مصرف‌کننده نمی‌شود؛ بلکه تولیدکننده نیز وظایفی را بر عهده دارد. قیمت بالای محصول، پایین بودن کیفیت و نداشتن توان رقابتی با کالاهای خارجی، تقاضا را به سمت کالاهای خارجی سوق می‌دهد. تولیدکننده‌ها عمده فعالیت‌ها و برنامه‌ریزی‌های خود را فقط برای سوددهی در بازه زمانی کوتاه‌مدت انجام داده و به سلیقه و خواسته‌های مصرف‌کننده کمتر اهمیت می‌دهند. این در حالی است که در دیگر کشورها، مصرف‌کننده داخلی را در اولویت قرار داده و محصولات جدید خود را به صورت رایگان یا با تخفیف زیاد در اختیار مشتری قرار می‌دهند تا بازار را نسبت به واردات کالاهای مشابه خارجی واکسینه کنند. گفتنی است، برخی معضلات و مشکلات در این حوزه وجود دارد؛ اما یک ذهنیت منفی در این سال‌ها در زمینه کالای ایرانی شکل گرفته است که شخص رهبر معظم انقلاب ترجیح کالاهای خارجی به ایرانی را یک مشکل جدی ذهنی در جامعه می‌دانند و می‌فرمایند: «باید تحرک و تحولی فکری و قوی شکل بگیرد تا برداشت غلط بهتر بودن جنس خارجی از ذهن‌ها پاک شود.» درباره عوامل روانی و فردی باید گفت، لازم است ادراک ما نسبت به کالاهای ایرانی تغییر کند و باور کنیم که خرید کالاهای ایرانی برابر با افزایش تولید و رشد اقتصادی کشور است. حال اگر خرید کالاهای ایرانی در جامعه ترویج پیدا کند و به فرهنگ عمومی تبدیل شود، موجب افزایش انگیزه در تولیدکننده و ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر برای افراد بیکار جامعه می‌شود.



**۲. ضعف فرهنگ کار؛** فرهنگ کار موجب شده است کم‌کاری در میان مردم به‌نوعی عادت تبدیل شود و افراد در بسیاری از موارد به شغل خود بها ندهند و اصول مسلم آن کار را رعایت نکنند یا بخش زیادی از جامعه رویکرد دلالی و واسطه‌گری را به‌مثابه شغل پردرآمد و کم زحمت ملاک انتخاب قرار دهند. این مشکل خود را در برخی موارد به‌صورت تنزل کیفیت کالای تولید شده یا کم‌فروشی و دغل‌بازی در بازرگانی نمایان می‌کند. در این شرایط، جهش تولید اتفاق نمی‌افتد مگر با جهش کار و تلاش فردی و جمعی در سطح جامعه، آنجا که خداوند نیز در قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». (نجم: ۳۰) از این‌رو از مسئولان و متولیان امر (اعم از دولت، مجلس، رسانه ملی و...) انتظار می‌رود برای بسط و گسترش فرهنگ کار و تلاش، زمینه‌های لازم و مشوق‌های انگیزشی را فراهم کرده و پرکاری و پرتلاشی در سطح جامعه به‌منزله یک ارزش در بین آحاد مردم ترویج داده شود.

**۳. باور نداشتن تولید ملی؛** یکی از الزامات خاص در مسیر تولید ملی و جهش آن توجه و نهادینه‌سازی باور توانستن در جامعه است. در گام نخست هم تولیدکننده باید به این باور برسد که کالا و سازه او قابلیت رقابت با نوع خارجی را پیدا خواهد کرد و هم مصرف‌کننده داخلی باید باور کند که تولیدات داخل ایران می‌تواند نیازهای او را مرتفع کند و «برند» بودن بسیاری از کالاها لزوماً به معنای کیفیت افزوده آن‌ها نیست. مسئله باور به توانایی در تولید و جهش چند برابری آن بسیار حائز اهمیت است و جوانان ما در شرکت‌های دانش‌بنیان به عینه این مهم را نشان دادند و ضروری است مردم هم همدوش جوانان خلاق، کالای تولید داخل را با رضایت خریداری کنند تا به جهش تولید کمک کنند. نهادینه‌سازی باور توانستن در سطح جامعه امری است که اگر محقق شود، قطعاً خیرات و برکات فراوانی را می‌تواند برای بخش‌های تولیدی کشور به همراه داشته باشد.

در این زمینه نقش نهادهای آموزشی اعم از آموزش و پرورش، دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌های کشور، رسانه‌های دیداری و شنیداری و حمایت مسئولان رده‌بالای کشور برای ایجاد و بسط چنین باوری لازم و ضروری است.

### سوم) موانع ساختاری

۱. **عملکرد نظام بانکی کشور؛** یکی دیگر از موانع تولید که به‌نوعی مانع اجرای منویات و مطالبات رهبر معظم انقلاب در بخش اقتصاد می‌شود، بانک‌ها هستند. بانک‌ها با عملکردشان یکی از اصلی‌ترین رقبای تولید در کشور ما شناخته می‌شوند که از رونق و پیشرفت تولید، کارگاه‌ها و کارخانجات تولیدی ممانعت می‌کنند. تولیدکنندگان نمی‌توانند با بهره‌های بالای تسهیلات بانکی چرخه تولید خود را بچرخانند؛ زیرا باید در آمدشان به‌قدری بالا باشد تا ابتدا بتوانند اقساط بانکی خود را که سود بالایی دارند پرداخت کنند و در ثانی هزینه‌های جاری اعم از حقوق کارکنان، بیمه، مالیات و انرژی را نیز بپردازند که مجموع این هزینه‌های سرسام‌آور سبب شده تولید داخل آن‌طور که باید و شاید به منصفه ظهور نرسد. این مشکل فقط با یک دستورالعمل حل نمی‌شود و تا زمانی که مشکل سودهای بانکی در کشور رفع نشود، تولید رونقی نخواهد یافت. بانک‌های موجود کشور هر یک به فراخور موقعیت خود با تزریق منابع پولی کشور در بخش بازرگانی، سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف تولیدی را تأمین مالی نمی‌کنند. راهکاری که می‌تواند جزء مطالبات فراگیر از مسئولان باشد، این است که باید قوانینی وضع شود تا نظام بانکی در چارچوبی معین و با اخذ تضمین‌های محکم از هرگونه انحراف منابع پولی کشور از سوی بانک‌ها جلوگیری به عمل آید و همچنین آنان را در زمینه تخصیص منابع پولی در بخش بازرگانی، ملزم به اخذ مجوز از

شورای اقتصاد کنند تا فقط به مقدار نیاز حقیقی کشور و آن‌هم در زمینه کالاهایی که توان تولید آن‌ها در کشور نیست، بانک‌ها بتوانند گشایش اعتبار یا تخصیص و پرداخت تسهیلات کنند. افزون بر این، قوانینی به تصویب برسد که از هرگونه اقدام بانک‌ها برای ورود به فعالیت‌های سرمایه‌گذاری مستقیم و در قالب شرکت‌های سرمایه‌گذاری وابسته به آنان جلوگیری کند و بانک‌ها به هیچ‌وجه مجاز به مالکیت شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند. از سویی دیگر، طی قانونی که ضمانت اجرایی بالایی را به همراه داشته باشد، مدیران و بخش‌های اجرایی بانک‌ها باید در زمینه پاسخگویی سریع و بی‌کم‌وکاست نسبت به تأمین مالی بخش‌های تولیدی مکلف شوند. اگرچه اصلاح نظام بانکی یکی از موضوعات هفت‌گانه طرح تحول است و چند سالی از عمر آن می‌گذرد؛ اما اقدام چشمگیر و درخور توجه و قابل‌اعتنایی صورت نگرفته است.

**۲. بالا بودن رتبه ایران در فضای کسب‌وکار؛** منظور از محیط کسب‌وکار، عوامل مؤثر بر عملکرد بنگاه‌های اقتصادی است که مدیران یا بنگاه‌ها نمی‌توانند آن‌ها را تغییر داده یا بهبود بخشند. محیط کسب‌وکار نامناسب، هزینه عملکرد بنگاه‌های اقتصادی را افزایش می‌دهد و سبب از بین رفتن انگیزه سرمایه‌گذاری و نیز عقب ماندن تولیدکنندگان کشور از رقبای جهانی می‌شود. «بانک جهانی» سلسله گزارش‌های سهولت کسب‌وکار خود را با عنوان «انجام کسب‌وکار» منتشر می‌کند. بر اساس این، دوازده حوزه مورد بررسی عبارت‌اند از: «شروع یک کسب‌وکار»، «اخذ مجوز ساخت»، «دریافت برق»، «ثبت ملک»، «دریافت اعتبار»، «حمایت از سرمایه‌گذاران خرد»، «پرداخت مالیات»، «تجارت فرامرزی»، «اجرای قراردادهای»، «حل‌وفصل ورشکستگی»، «استخدام نیروی کار» و «پیمان‌کاری با دولت». البته دو بخش «استخدام نیروی کار» و «پیمان‌کاری با دولت» کنار گذاشته شده‌اند و ۱۰ حوزه با ۴۵ شاخص بررسی می‌شوند.

در ارزیابی این نهاد بین‌المللی که قوانین کسب‌وکار را برای ۱۹۰ کشور ارزیابی می‌کند، امسال ایران با یک رتبه صعود در رده ۱۲۷ قرار گرفته است؛ رتبه‌ای که البته از سرعت کم ایران برای باز کردن زنجیر مقررات از چرخ کسب‌وکارها حکایت دارد. این در حالی است که دیگر اقتصادهای خاورمیانه طی یک سال اخیر بیشترین اصلاحات مقررات زدایی و تسهیل کسب‌وکار را در جهان داشته‌اند، به‌ویژه چهار کشور اردن، بحرین، عربستان و کویت؛ تا جایی که عربستان سعودی با ۳۰ پله صعود به جایگاه ۶۲ رسیده است. در سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت آقای روحانی و با نگاه تعامل با جهان (به‌ویژه با کشورهای غربی) امیدهایی برای بهبود وضعیت اقتصادی و معیشت مردم به وجود آمد؛ اما رسیدن به توافق هسته‌ای و اجرای آن برخلاف همه انتظارات، وضعیت نامطلوب فضای کسب‌وکار را تغییر نداد. جدول زیر گویای این است که اگر اقدامات اساسی در این بخش با فوریت انجام نگیرد، نمی‌توان به رونق و جهش تولید دست یافت.

«سهولت کسب‌وکار ۲۰۲۰» ایران به تفکیک ۱۲ حوزه - اکتبر (آبان) ۲۰۱۹					
رتبه ۲۰۲۰	نمره ۲۰۲۰	رتبه ۲۰۱۹	نمره ۲۰۱۹ (به‌روزرسانی‌شده)	رتبه ۲۰۱۹	حوزه
۱۲۷	۵۸/۵	۱۲۸	۵۸/۶	۱۲۸	کل
۱۷۸	۶۷/۸	۱۷۳	۶۷/۸	۱۷۳	شروع یک کسب‌وکار
۷۳	۷۱/۲	۸۶	۷۰/۸	۸۶	اخذ مجوز ساخت
۱۱۳	۶۹/۴	۱۰۸	۶۹/۳	۱۰۸	دریافت برق
۷۰	۶۸/۱	۹۰	۶۹/۰	۹۰	ثبت ملک
۱۰۴	۵۰/۰	۹۹	۵۰/۰	۹۹	دریافت اعتبار

۱۷۳	۴۰/۰	۴۰/۰	۱۲۸	حمایت از سرمایه‌گذاران خرد
۱۴۹	۵۹/۵	۵۹/۵	۱۴۴	پرداخت مالیات
۱۲۱	۶۶/۲	۶۶/۲	۱۲۳	تجارت فرامرزی
۸۹	۵۸/۲	۵۸/۲	۹۰	اجرای قراردادهای
۱۳۱	۳۵/۶	۳۵/۱	۱۳۳	حل و فصل ورشکستگی

### راهکارها و الزامات فوریت‌دار

۱. طراحی، دقت و نظارت بر زنجیره تأمین تولید؛ زنجیره تأمین مهم‌ترین و طولانی‌ترین فرایندی است که می‌توان برای یک واحد تولیدی در نظر گرفت. زنجیره تأمین سه مرحله پیش از تولید، تولید و پس از تولید دارد. در واقع، زنجیره تأمین از مرحله تأمین مواد اولیه آغاز می‌شود و تا مرحله تحویل کالای نهایی به مشتری ادامه می‌یابد. البته برای محصولاتی که به پشتیبانی و ارائه خدمات پس از فروش نیاز دارند، زنجیره تأمین این مرحله را نیز در برمی‌گیرد. اگر یک واحد تولیدی بخواهد جهش تولید داشته باشد، باید دارای یک زنجیره تأمین قوی و بدون عیب و نقص باشد. انتخاب تأمین‌کننده مواد اولیه در مرحله نخست زنجیره تأمین بسیار حائز اهمیت است. اینکه مواد اولیه مورد نیاز با چه قیمتی و با چه کیفیتی و در چه زمانی به دست تولیدکننده برسد، در کمیت و کیفیت تولید، در قیمت تمام‌شده محصول و در زمان عرضه محصول به بازار مصرف و انجام تعهد زمانی تولیدکننده مؤثر خواهد بود. پس بسیار مهم است که تأمین‌کننده مواد اولیه چه کسی یا چه شرکتی باشد. سؤال مهم این است که آیا تأمین‌کننده مواد اولیه به تعهدات خود پایبند می‌ماند یا تحت شرایط، از تعهدات خود سر

باز خواهد زد؟ در زمان تحریم تولیدکنندگان داخلی، در موارد بسیاری با انجام نشدن تعهدات تأمین‌کنندگان خارجی مواد اولیه خود مواجه می‌شوند. پس در انتخاب تهیه‌کننده مواد اولیه (چه تأمین‌کنندگان خارجی و چه تأمین‌کنندگان داخلی) باید دقت بسیار زیادی شود. مرحله دوم زنجیره تأمین در واقع فرایند تولید محصول است. در این مرحله باید نیازسنجی بازار، طراحی و تولید محصول با دقت زیاد انجام شود. برای ایجاد جهش در تولید، بسیار مهم است که چه چیزی تولید شود؟ چگونه تولید شود؟ با چه کیفیتی تولید شود؟ قیمت تمام شده محصول چقدر باشد و با چه قیمتی به دست مصرف‌کننده نهایی برسد؟ در مرحله تولید می‌توان به پرسش‌های فوق پاسخ داد. اساساً پاسخ هر یک از این پرسش‌ها می‌تواند در جهش تولید نقش آفرین باشد. مرحله سوم زنجیره تأمین به هر آنچه پس از تولید اتفاق می‌افتد، مربوط است. در واقع توزیع و رساندن محصول به دست مصرف‌کننده نهایی در این مرحله انجام می‌شود. این مرحله بسیار حساس و مهم است؛ زیرا ارتباط مشتری با محصول برقرار می‌شود و قضاوت و برداشت مشتری از محصول خریداری شده، تولیدکننده آن و درنهایت برند آن صورت می‌گیرد. اگر مشتری به برداشت خوبی برسد، به مشتری وفادار تبدیل خواهد شد. پشتیبانی از محصول (گارانتی محصول) و ارائه خدمات پس از فروش با کیفیت و استاندارد قابل قبول به وفاداری مشتری می‌افزاید و موجب تقویت برند و درنهایت جهش فروش می‌شود و جهش فروش به جهش تولید می‌انجامد.

**۲. برخورد جدی با مفاسد اقتصادی؛** در حال حاضر، مفاسد اقتصادی یکی از موضوعات مهم و کلیدی و درعین حال بحث‌انگیز جامعه ما به شمار می‌آید. در طول سه دهه گذشته، هرگاه اقدامی در مبارزه با مفاسد اقتصادی آغاز شده، پس از مدتی با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو و به حال خود رها شده است. طرح مبارزه با مفاسد اقتصادی که پیشتر با عناوینی چون

مبارزه با ثروت‌های بادآورده و فرمان هشت ماده‌ای رهبر معظم انقلاب به سران سه قوه در دستور کار مسئولان قرار گرفت، نتوانسته به خوبی پیش برود تا اینکه تغییری در دستگاه قضایی صورت گرفت و با آمدن آقای رئیسی تا حد زیادی اقداماتی در راستای مبارزه با مفاسد به‌ویژه با دانه‌درشت‌ها و برخی از مقربان مسئولان صورت گرفت که یک نقطه امید در سطح جامعه ایجاد کرد و روند تداومی آن همراه با نظارت‌های پیشگیرانه می‌تواند اعتماد از دست‌رفته در این حوزه را به جامعه برگرداند. در غیر این صورت، آثار و پیامدهای مفاسد اقتصادی به قدری بر جامعه در سطوح گوناگون اثر سوئی دارد که گاهی اساس نظام را هم در معرض خطر قرار می‌دهد. برای اهمیت مبارزه با فساد اقتصادی به برخی از آثار سوء و زیان‌بار آن اشاره می‌شود.

الف) آثار سیاسی؛ آسیب‌پذیری دولت، کاهش مشروعیت قانون، کاهش مشارکت سیاسی مردم، رشد گروه‌گرایی و قوم‌گرایی و تهدید همبستگی ملی.

### ب) آثار اقتصادی؛

- هدر رفت منابع عمومی و ملی به شکلی نامناسب؛
- آسیب‌پذیری اعتبار دولت نزد بخش خصوصی؛
- کاهش سرمایه‌گذاری؛
- انحراف در فعالیت‌های تجاری داخلی و بین‌المللی؛
- آسیب‌پذیری اصل رقابت و بازار.

ج) آثار اجتماعی و سیاسی؛ تباری صاحبان قدرت و ثروت برای تداوم موقعیت متقابل، جناح‌گرایی سیاسی، قوم‌گرایی و تبار‌گرایی.

۳. رویکرد اصلاحی به اشتغال؛ ایران با داشتن ۸۰۰ شهرک صنعتی و شرکت‌های فراوان ریزودرشت به‌جز شرکت‌های دانش‌بنیان، باید به دنبال ساخت‌وسازهای جدید باشد و از ظرفیت‌های خالی و راکد استفاده کند. در این بین، تنها با تغییر رویکرد می‌توان به بهره‌وری در این بخش رسید. در همین زمینه، به گفته متولیان امر از ۴۳ هزار واحد مستقر در شهرک‌های صنعتی ایران بین ۱۱ تا ۱۲ هزار واحد راکد است، تعدادی از واحدها هم با ظرفیت کمتر از ۵۰ درصد و بقیه هم با ظرفیت ۵۰ تا ۷۰ درصد کار می‌کنند و در این بین تنها ۲۵ درصد واحدها با ظرفیت بالای ۷۰ درصد مشغول فعالیت هستند که آزادسازی این ظرفیت‌ها می‌تواند به جهش تولید کمک کند.

۴. تنقیح قوانین؛ تعدد بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها و تفسیرها در بخش‌های مرتبط با تولید، تأمین اجتماعی، محیط‌زیست، بانک، صادرات و مالیات بیشترین مشکل را در این بخش ایجاد کرده و به‌نوعی قوانین ضد یا معارض تولید شده‌اند. مهم‌ترین راهکاری که می‌تواند در این زمینه اثربخش باشد، این است که کارگروهی در سطح ملی تشکیل شود و این دستورالعمل‌ها را تنقیح کرده و برداشت‌های متفاوت و موارد متضاد را تجدیدنظر کنند. در این بین مجلس یازدهم می‌تواند بازیگر مهمی برای به ثمر نشستن این ایده باشد.

۵. اجرای مالیات به‌صورت عدالت عمودی؛ عدالت عمودی که به اصل قدرت پرداخت تعبیر می‌شود، آن است که در اجاره مالیات‌ها باید با اشخاصی که از نظر اقتصادی در وضعیت متفاوتی هستند، به‌صورت نامساوی برخورد کرد. به‌بیان دیگر،



برای تحقق عدالت عمودی، لازم است مالیات‌ها برای افرادی که در گروه‌های متفاوت درآمدی و ثروت قرار دارند به شیوه‌ی نابرابر وضع شود. به این صورت که برای رسیدن به عدالت عمودی لازم است نرخ مالیات برای افراد با درآمدهای گوناگون یکسان نباشد و با افزایش درآمد تصاعدی شود، مانند مالیات بر املاک، عایدی، شناسایی ظرفیت‌های جدید و خودروهای گران‌قیمت و لوکس، اما متأسفانه در بیشتر بخش‌ها عدالت به صورت عدالت افقی اجرا شده و معمولاً بار مالیاتی به طور مساوی سرشکن می‌شود.

**۶. جلوگیری از واردات بی‌رویه و غیر ضرور؛** واردات بی‌رویه و دارای مشابه داخلی پاشنه آشیل اقتصاد ایران و آفت بخش تولید به شمار می‌آید. در این زمینه باید به نقش بنگاه‌های وابسته به کانون‌های قدرت و ثروت اشاره کرد که سود خود را تنها در واسطه‌گری و سرازیر کردن کالاهای مصرفی به بازار کشور می‌بینند و با این کار واحدهای تولیدی را با فشاری کمرشکن مواجه کرده‌اند. فاجعه‌بارتر از واردات این‌گونه کالاها، قاچاق افسارگسیخته است که منافی هنگفت را برای سوداگران به بار می‌آورد و گاهی شاهد هستیم ریشه‌های قاچاق به راحتی قابل قطع کردن نیست.

**۷. تغییر رویکرد به مدیریت جهادی؛** باور به حل مشکلات با نگاه مدیریت جهادی برای شکوفایی اقتصادی کشور امری ضروری به نظر می‌رسد. با همین نگاه، رهبر معظم انقلاب در بخشی از تبیین شعار سال در سال گذشته در حرم مطهر رضوی فرمودند: «برای شکوفایی اقتصاد کشور به کاری احتیاج داریم که هم مجاهدانه باشد، هم عالمانه باشد. با تنبلی، با بی‌حالی، کم‌انگیزی، مسئله اقتصاد کشور حل نخواهد شد. کار جهادی باید انجام بگیرد، مدیریت‌های جهادی باید بر مسائل اقتصادی کشور احاطه داشته باشند، تصمیم‌گیری کنند؛ کار جهادی. کار جهادی یعنی کاری که هم در آن تلاش

هست، خستگی‌ناپذیری هست، هم اخلاص هست؛ [یعنی] انسان می‌فهمد که برای خودش، برای پُر کردن کیسه خودش کار نمی‌کند، دارد برای مردم کار می‌کند، برای خدا کار می‌کند؛ هم این و هم عالمانه؛ یعنی بنشینند و با موازین علمی، با شیوه دقیق عالمانه راه‌های صحیح را پیدا کنند؛ هم باسواد باشند، کارآمد باشند، هم امکانات گوناگونی داشته باشند؛ این‌ها بنشینند کار کنند؛ اقتصاد کشور قطعاً شکوفایی پیدا خواهد کرد.» پس راه‌اندازی «چرخ تولید» و ایجاد «جهش تولید» برنامه صحیح و مرد عمل می‌خواهد و باید همه متولیان امر تولید و همه امکانات دولتی و بخش خصوصی در این راه بسیج شوند و با مدیریت جهادی چرخ تولید را به گردش در بیاورند.

**۸. کاهش نابرابری‌های اجتماعی؛** فاصله طبقاتی آثار نامطلوبی در بخش‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد و ریشه بسیاری از آسیب‌های اجتماعی همچون اعتیاد، بی بندوباری، دزدی، طلاق، خودکشی‌ها، بیماری‌های جسمی و روحی و روانی، از جمله استرس و افسردگی و خشم و پرخاشگری و عقده‌های روانی، ضعف اخلاقی و ناپهنجاری‌های اجتماعی، کاهش عزت‌نفس و اضطراب و تشویش خاطر، ایجاد ناامنی در جامعه، معلولیت و ناتوانی و گرسنگی و از همه مهم‌تر ضعف اعتقاد و دین‌داری، برخاسته از این نابرابری‌هاست. در اقتصاد، مهم‌ترین معیار سنجش میزان نابرابری توزیع درآمد یا ثروت، ضریب جینی است و ساده‌ترین تعریف برای شاخص ضریب جینی این است که این ضریب ارزشی بین صفر و یک دارد، به‌گونه‌ای که اگر ضریب جینی به صفر نزدیک باشد، برابری توزیع درآمد بیشتر شده و شکاف طبقاتی کمتر است و اگر ضریب جینی به سمت یک برود، به معنای افزایش نابرابری درآمد و توزیع نامتوازن آن تلقی شده که عملاً فاصله طبقاتی بیشتر را نشان می‌دهد و این در حالی است که بررسی‌ها نشان می‌دهد، به دلیل ناکارآمدی سیاست‌های دولت، فساد و رانت در سال‌های

اخیر، ضریب جینی با رشد بسیار چشمگیر، از حدود ۳۷ صدم در سال ۱۳۹۰ به ۴۱ صدم در سال ۱۳۹۷ رسیده که امری کم‌سابقه است. ناگفته نماند که رفع فاصله طبقاتی عامل مهمی در بهداشت روانی است. در واقع، مسائل اقتصادی در تأمین بهداشت روانی انسان‌ها نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند. رفع فقر و محرومیت‌ها می‌تواند گامی بسیار بزرگ برای کاستن از بیماری‌های روانی و شکوفایی استعدادهای بالقوه موجود در جامعه باشد؛ به همین دلیل راهبردها و خط و مشی‌های کلی جوامع برای ارتقای بهداشت روانی، در وهله اول متمرکز بر ابعاد اقتصادی و اجتماعی است؛ چراکه با رفع تبعیض‌ها و نابرابری‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و تأمین معیشت مناسب، بسیاری از مشکلات روانی جامعه مرتفع می‌شود.

**۹. توجه جدی به اقتصاد مقاومتی با محوریت مردم؛** ایفای نقش پررنگ مردم در اقتصاد مقاومتی اصلی اساسی است. اقتصاد مقاومتی اقتصاد مردمی است. اگر قرار باشد به نهادسازی‌های موازی در اقتصاد مقاومتی اقدام کنیم، لزومی ندارد که این نهادسازی را دولت انجام دهد؛ بلکه ضروری است مردم به این عرصه وارد شوند. در این بخش نهادهای اقتصادی مردمی و سازمان‌های مردم‌نهاد می‌توانند نقش بسیار پررنگ و تعیین‌کننده‌ای داشته باشند. اگر ما فضا را برای حضور جوانان مؤمن و خلاق ایران اسلامی در عرصه اقتصادی فراهم کنیم، به حتم تحولات مثبتی را در این عرصه شاهد خواهیم بود. در نظام‌های اقتصادی مرسوم در جهان، نظام سرمایه‌داری بر پایه مالکیت خصوصی و نظام سوسیالیستی بر پایه دولت بنا شده، اما اقتصادی که از آن به اقتصاد مقاومتی یاد می‌شود، مردم بنیاد است و نه دولت‌محور. در مسیر تحقق اقتصاد مقاومتی موانعی وجود دارد که بدون حضور و مطالبه مردمی رفع نمی‌شوند. یکی از این موانع ناکارآمدی و ضعف‌هایی است که در دستگاه‌های اجرایی و نهادهای حاکمیتی مجری سیاست‌های اقتصاد مقاومتی بروز می‌کند. مردم به‌مثابه سرمایه انسانی نظام می‌توانند تأثیر شگرفی

در پیش‌برد اهداف اقتصاد مقاومتی داشته باشند. اقشار گوناگون در هر صنف و حرفه‌ای که هستند با ایجاد گفتمان اقتصاد مقاومتی می‌توانند نیازهای اقتصادی و معیشتی خود را در چارچوب اقتصاد مقاومتی تعریف کرده و تأمین کنند. در همین راستا، به چند عامل اساسی مرتبط با این موضوع اشاره می‌شود. اول از همه اصلاح الگوی مصرف باید از سوی مردم صورت بگیرد. متأسفانه، فرهنگ اسراف و تجمل‌گرایی سبب ایجاد نیاز کاذب و وابستگی به واردات می‌شود؛ چراکه دیگر تولید داخل توان پاسخگویی به نیازهای تجملاتی اقشار گوناگون را ندارد و به‌ناچار واردات بی‌رویه و دلالی محصولات خارجی در قالب تجارت شکل می‌گیرد. مضاف بر این‌ها، سرمایه‌های خرد مردم باید با تجمیع و تبدیل شدن به سرمایه‌های کلان به بخش واقعی اقتصاد تزریق شود و در کنار آن مردم کالای ساخت داخل را مصرف کنند. کالای ایرانی یعنی اشتغال ایرانی، یعنی کاهش ارزبری در محصولات مصرفی و درنهایت یعنی اقتدار ملی. پس هر ایرانی با روحیه ایرانی خود باید از کالای ایرانی در راستای تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی استفاده کند و از خرید کالای خارجی بپرهیزد.

**۱۰. نگاه ویژه به شرکت‌های دانش‌بنیان؛** دانش‌بنیان‌ها صنایعی هستند که در آن‌ها سطح بالایی از سرمایه‌گذاری به ابداع و نوآوری اختصاص می‌یابد و فناوری‌های کسب‌شده با شدت بالایی مصرف می‌شوند و نیروی کار از تحصیلات عالی برخوردار است. به‌نوعی می‌توان گفت، در اقتصاد دانش‌بنیان تولید و توزیع و کاربرد دانش عامل و محرک اصلی رشد اقتصادی و تولید ثروت و اشتغال در همه صنایع است. از سویی یکی از نقاط ضعف اقتصاد ما استفاده بهینه نکردن از ظرفیت‌های موجود در سرمایه انسانی کشور است. این موضوع نشان می‌دهد، سرمایه انسانی کشور ما شایستگی تولید دانش را دارد، اما برای به‌کارگیری دانش، باهدف تولید ارزش اقتصادی به‌اندازه کافی کار نشده و این خلایق و نوآوری به خدمت بنگاه‌های اقتصادی

درنیا آمده است. در فرمان ۲۴ ماده‌ای اقتصاد مقاومتی در بند ۲ آمده است، تأکید بر «پشتتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به‌منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه» است. در واقع، با تکیه بر این بند می‌توان با بهره‌گیری از دانش که حدومرزی برای آن وجود ندارد و استفاده دقیق از ظرفیت‌های علمی کشور که طی سال‌های اخیر بسیار شکوفا شده است، وضعیت اقتصادی جامعه را بهبود بخشید. برای هم‌افزایی و عملیاتی کردن این موضوع باید اقداماتی صورت گیرد؛ از جمله:

- اعطای جایزه صادراتی به شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- فروش محصولات دانش‌بنیان؛
- برداشتن موانع از سر راه شرکت‌های دانش‌بنیان؛
- اعطای تسهیلات صندوق توسعه ملی به این شرکت‌ها؛
- حمایت ویژه از نخبگان، مبتکران و مخترعان.

۱۱. **پر ریسک کردن بازارهای موازی تولید؛ جهش تولید نیازمند این است که تولید نسبت به سایر بازارهای رقیب که عمدتاً بر سفته‌بازی متمرکز هستند، اعم از مسکن، ارز، سکه، خودرو و... به‌صرفه‌تر باشد.** نمی‌توان بازدهی بیشتر دیگر بازارها نسبت به بخش تولید را نادیده گرفت و درعین حال انتظار داشت تولید در کشور جهش یابد. زمانی که سرمایه‌گذاری در حوزه سفته‌بازی با ریسک و زحمت کمتر و درعین حال بازدهی بیشتری همراه است، بدیهی است سرمایه‌ها را به سمت خود جذب می‌کند.

## ثمرات و برکات تحقق مطالبات اقتصادی مقام معظم رهبری

- کارآمدی نظام دینی
- افزایش مشروعیت و مقبولیت
- رضایتمندی و همراهی مردم
- شکل‌گیری اقتدار اقتصادی
- تاب‌آوری و مقاوم‌سازی اقتصاد در برابر تکانه‌ها
- عمق‌بخشی به امنیت پایدار
- تولید ثروت ملی و گسترش رفاه عمومی
- مصون‌سازی اقتصاد از آسیب تحریم‌ها
- عادلانه شدن توزیع منابع عمومی
- کاهش ضریب جینی

## نتیجه‌گیری

همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب مهم‌ترین راهبرد برای برون‌رفت از تنگناهای اقتصادی و معیشتی را با تشریح وضعیت کشور

و بایسته‌های پیش روی مردم را پیگیری مطالبات اقتصادی و حل مشکلات معیشتی مردم تحلیل می‌کنند، برای تحقق این مطالبه مهم باید اقدامات و الزاماتی که ذکر شد فراهم شود. مضافاً تحقق این امر نیازمند ثبات اقتصادی، تسهیل قوانین و سرمایه‌گذاری، خصوصی‌سازی، مدیریت کارآمد، بهبود فضای کسب‌وکار، امنیت اقتصادی و مدیریت دانایی، کاهش سود بانکی، نوسازی خطوط واحدهای تولیدی، اصلاح نظام مالیاتی، بیمه و معافیت گمرکی است. از سویی دیگر مشخص است که تولید در کشور ما در مراحل گوناگون از فرایند تولید تا تعمیر، نگهداری و فروش محصولات با مشکلات انکارناپذیری مواجه است. بسیاری از صنایع پایه همچون سیمان و فولاد، صنایع تبدیلی و صنایع تولیدی همانند خودروسازی در سال‌های اخیر به دلیل ملاحظات غیراقتصادی و بی‌توجهی به اصول آمایش صنعتی طیف وسیعی از مزیت‌های عرضه و فروش را از دست داده است و علاوه بر آن، رکود در طرح‌های عمرانی در کشور سبب شده تا مشکلات تولیدکنندگان به‌ویژه در صنایع پایه افزایش یابد. با توجه به این اوضاع و این واقعیت که پراکندگی واحدهای کوچک و بزرگ در کشور قابل‌جابه‌جایی نیست، به آمایش کارشناسانه در راه‌اندازی طرح‌های گوناگون عمرانی نیاز وجود دارد و در وضعیت کنونی بودجه عمرانی دولت کفاف کلید زدن طرح‌های نو را نمی‌دهد. افزون بر این‌ها، قوانین دست‌وپا گیر پیش روی سرمایه‌گذاری خصوصی، هراس از بی‌نتیجه ماندن سرمایه‌گذاری در بخش تولید، حمایت نکردن نظام بانکی، ضعف حقوق مالکیت، فرازوفرودهای ارزی و نیاز به فناوری‌های روز در وضعیت تحریم سبب شده است، دشواری‌های این مأموریت بزرگ بیش‌ازپیش به چشم آید. قاچاق افسارگسیخته، واردات کالاهای دارای مشابه داخلی از سوی کانون‌های قدرت و ثروت سال‌ها پاشنه آشیل اقتصاد ایران و آفت بخش تولید بوده که به یک جراحی نیاز دارد. در کنار این‌ها، ضعف نظارت و رقابتی نبودن فضای تولید هم مزید بر علت شده و فرایند

تولید را تحت تأثیر قرار داده است. در چنین وضعیتی اهمیت مبارزه با فساد و مصادیق آن نظیر پول‌شویی بیشتر نمایان شده و شفافیت اقتصادی به کیمیای دگرگونی اوضاع تلقی می‌شود. در چنین وضعیت غامضی اهتمام همه به جهش تولید نتایج مهمی، همچون عبور کشور از دام تحریم‌های ظالمانه آمریکا، کاهش نرخ بیکاری، مهار نقدینگی، افزایش ارزش پول ملی، کاهش خروج ارز از کشور و اعتباربخشی به سازه ایرانی و افزایش اعتماد مردم به اقتصاد ایران را به دنبال خواهد داشت.

## مختصات لایحه بودجه ۱۴۰۰؛ انبساطی، سیاسی و غیرواقعی

### مقدمه

لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ خورشیدی حساس‌ترین برنامه بودجه دولت روحانی طی هشت سال زمامداری وی بشمار می‌آید؛ چراکه اولاً، آخرین بودجه این دولت است و تنها ۵ ماه از آن را خودش عملیاتی خواهد کرد و هفت ماه باقیمانده با دولت بعدی خواهد بود. ثانیاً، اولین مصوبه بودجه‌ای مجلس یازدهم شورای اسلامی است که اگر خوب از عهده آن برآید می‌توان پیش‌بینی کرد ریل‌گذاری خوب صورت گرفته و سال‌های بعد راحت‌تر می‌تواند بر اساس همین ریل‌گذاری به اهداف مدنظر خودش برسد.

نگاه خوش‌بینانه آقای روحانی به تغییر دولت در آمریکا همراه با برخی گشایش‌های احتمالی در فروش نفت و انتقال پول آن باعث شده زود هنگام آثار احتمالی برخی تغییرات را در بودجه ۱۴۰۰ لحاظ نماید. اعمال تحریم‌های گسترده از سوی آمریکا و وضعیت اقتصادی حاکم بر کشور علی‌الخصوص به خاطر وضعیت کرونایی به نظر می‌رسد بودجه سال آینده ویژه



باشد. به نظر می‌رسد برای عبور از تحریم‌ها و فائق آمدن بر مشکلات و تنگناهای اقتصادی کشور - حاصل از کرونا و رکود تورمی - باید از ظرفیت‌های اقتصادی داخل و همین‌طور از منابع و امکانات موجود به بهترین نحو بهره برد. واقعیت این است که با بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و امکانات متنوع و گوناگون در کشور باید صادرات غیرنفتی را توسعه داد و از اتکا به نفت به معنای واقعی فاصله گرفت.

### روند بررسی بودجه در مجلس

بودجه سالیانه سندی مالی است که دولت در آن میزان دخل و خرج سال آینده کشور را مشخص می‌کند. بر اساس قانون، لایحه بودجه هر سال باید نهایتاً تا ۱۵ آذرماه به مجلس تقدیم شود. امسال لایحه بودجه سه روز زودتر از تاریخ مقرر - البته بدون حضور رئیس دولت که امری بی‌سابقه بود - از سوی معاون پارلمانی رئیس‌جمهور به مجلس تقدیم شد. در گام اول، نمایندگان مجلس از زمان چاپ و توزیع لایحه بودجه سالانه کل کشور و پیوست‌های آن تا مدت ۱۵ روز می‌توانند لایحه را بررسی و پیشنهادات خود را به کمیسیون‌های تخصصی مجلس تقدیم کنند. در گام دوم کمیسیون‌های تخصصی موظف‌اند حداکثر تا ۱۵ روز گزارش خود را به کمیسیون تلفیق ارائه کنند. کمیسیون تلفیق بودجه معمولاً متشکل از ۹ نفر از اعضای کمیسیون برنامه‌بودجه و ۳ نفر از اعضای هر یک از کمیسیون‌های تخصصی دیگر است. این کمیسیون موظف است حداکثر ظرف ۱۵ روز پس از پایان مهلت گزارش کمیسیون‌های تخصصی، ضمن رسیدگی به گزارش کمیسیون‌های تخصصی، گزارش نهایی خود را تنظیم و به مجلس شورای اسلامی تقدیم کند. البته کمیسیون تلفیق این اختیار را دارد که با موافقت هیئت

رئیس‌ه مجلس مهلت تقدیم گزارش نهایی خود را تا ۱۵ روز تمدید کند.

در گام بعدی کلیات لایحه بودجه در صحن علنی مجلس مورد بررسی قرار گرفته و پس از تصویب کلیات، به پیشنهادهای مربوط به درآمدها و سایر منابع تأمین اعتبار بودجه عمومی دولت رسیدگی می‌شود و سقف آن نیز به تصویب خواهد رسید. در صورت عدم تصویب کلیات لایحه بودجه، فقط برای یک‌بار موضوع به کمیسیون تلفیق ارجاع می‌شود و این کمیسیون حداکثر ظرف ۷۲ ساعت باید گزارش اصلاحی خود را به مجلس ارائه کند. طبق آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در جلسه علنی صحن، پس از ارائه گزارش کمیسیون تلفیق، ابتدا کلیات لایحه بودجه مورد بحث قرار می‌گیرد. در جریان بررسی کلیات ۵ نفر مخالف و ۵ نفر موافق به ترتیب یک نفر مخالف و یک نفر موافق و حداکثر هر نفر ۱۵ دقیقه دیدگاه‌های خود را مطرح می‌کنند. پس از آن دولت و کمیسیون هر کدام حداکثر ۴۵ دقیقه برای دفاع زمان خواهند داشت و در نهایت درباره کلیات برنامه رأی‌گیری خواهد شد. نمایندگان مجلس پس از تصویب کلیات لایحه بودجه، بررسی جزئیات لایحه را آغاز می‌کنند که شامل بررسی بخش‌های هزینه‌ای و درآمدهای این لایحه خواهد بود.

### بخش‌های مختلف بودجه

بودجه کل کشور از سه قسمت تشکیل شده است:

۱. بودجه عمومی دولت که خود مشتمل بر دو بخش است؛ بودجه جاری و بودجه عمرانی؛
۲. بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها؛

۳. بودجه مؤسساتی که تحت عنوانی غیر از عناوین فوق در بودجه کل کشور منظور می‌شوند. معمولاً مؤسسات غیرانتفاعی در این بخش قرار می‌گیرند.
- بودجه عمومی دولت شامل دو جزء:
- الف- پیش‌بینی دریافت‌ها و منابع تأمین اعتبار که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در سال مالی قانون بودجه به‌وسیله دستگاه‌ها از طریق حساب‌های خزانه‌داری کل اخذ می‌گردد.
- ب- پیش‌بینی پرداخت‌هایی که از محل درآمدهای عمومی یا اختصاصی برای اعتبارات جاری و عمرانی و اختصاصی دستگاه‌های اجرایی می‌تواند در سال مالی مربوطه انجام دهد.

مقایسه قانون بودجه ۹۹ و لایحه بودجه ۱۴۰۰ (هزار میلیارد تومان)

مصارف			منابع				
تغییرات (درصد)	لایحه بودجه ۱۴۰۰	قانون بودجه ۹۹		تغییرات (درصد)	لایحه بودجه ۱۴۰۰	قانون بودجه ۹۹	
۴۶/۱	۶۳۷	۴۳۶	هزینه ها	۱۰/۰	۳۱۷/۶	۲۸۸/۸	درآمدها
۱۸/۲	۱۰۴	۸۸	تملك دارایی های سرمایه ای	۱۰۹/۵	۲۲۵/۲	۱۰۷/۵	واگذاری دارایی های سرمایه ای
۱۱۳/۴	۱۰۰/۳	۴۷	تملك دارایی های مالی	۷۰/۹	۲۹۸/۵	۱۷۴/۷	واگذاری دارایی های مالی
۴۷/۳	۸۴۱/۳	۵۷۱	جمع مصارف عمومی دولت	۴۷/۳	۸۴۱/۳	۵۷۱	جمع منابع عمومی دولت
۱۰/۰	۸۲/۸	۷۵/۳	از محل درآمدهای اختصاصی دولت - هزینه ای	۱۲/۳	۸۸/۵	۷۸/۸	درآمدهای اختصاصی دولت
۶۲/۹	۵/۷	۳/۵	از محل درآمدهای اختصاصی دولت - سرمایه ای	۴۳/۱	۹۲۹/۸	۶۴۹/۸	منابع بوجه عمومی دولت
۴۳/۱	۹۲۹/۸	۶۴۹/۸	مصارف بودجه عمومی دولت				

بنیاده سیاستی الزامات، میان برها و مواضع جهش تولید  
با نگاه به نقش لایحه بودجه ۱۴۰۰

۸/۸	۱۵۶۲	۱۴۳۶/۳	مصارف شرکت‌های دولتی، موسسات انتفاعی وابسته به دولت و بانک‌ها	۸/۸	۱۵۶۲	۱۴۳۶/۳	منابع شرکت‌های دولتی، موسسات غیرانتفاعی وابسته به دولت و بانک‌ها
۱۹/۴	۲۴۹۱/۸	۲۰۸۶/۱	جمع	۱۹/۴	۲۴۹۱/۸	۲۰۸۶/۱	جمع
-۵/۷	۵۶/۱	۵۹/۵	کسر می‌شود به ارقامی که دوبار منظور شده است	-۵/۷	۵۶/۱	۵۹/۵	کسر می‌شود به ارقامی که دوبار منظور شده است
۲۰/۲	۲۴۳۵/۷	۲۰۲۶/۶	مصارف بودجه کل کشور	۲۰/۲	۲۴۳۵/۷	۲۰۲۶/۶	منابع بودجه کل کشور

منابع بودجه عمومی دولت نیز خود به دودسته تقسیم می‌شود: منابع عمومی دولت و منابع اختصاصی. منابع اختصاصی، منابعی هستند که قانون محل مصرف آن‌ها را تعیین می‌کند و معمولاً این محل مصرف همان دستگاه ایجادکننده درآمد است (مانند درآمد بیمارستان‌ها یا دانشگاه‌ها که برای خودشان صرف می‌شود). منابع عمومی نیز عمدتاً شامل درآمدها (اعم از درآمدهای مالیاتی، جرائم، مجوزها و حق دسترسی‌ها)، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (درآمدهای نفتی) و واگذاری دارایی‌های مالی (ایجاد قرض، دین و فروش سهام شرکت‌ها) است. منابع عمومی دولت که کلیدی‌ترین رقم در بودجه می‌باشد در لایحه بودجه ۹۹، ۶۴۹/۸ هزار میلیارد تومان بوده که با رشدی ۴۳/۱ درصدی به ۸۴۱/۳ هزار میلیارد تومان رسیده است. اگر بودجه اختصاصی را که ۸۸/۵ هزار میلیارد تومان هست به آن اضافه کنیم، جمع کل بودجه عمومی ۹۲۹/۸ هزار میلیارد تومان می‌شود.

## درآمدها در لایحه بودجه

۱. نفت و مشتقات: ۲/۲۲۵ هزار میلیارد تومان؛ در لایحه بودجه ۱۴۰۰، حدود ۲۷ درصد از منابع عمومی دولت را واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای تشکیل می‌دهد. در اصطلاح بودجه‌ای، دریافت‌های دولت از محل نفت و مشتقات آن به دلیل اینکه از محل فروش سرمایه ملی تأمین می‌شود نه درآمد، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای محسوب می‌شوند. بر اساس ارقام لایحه بودجه سال آتی، دولت پیش‌بینی کرده ۲/۲۲۵ هزار میلیارد تومان از منابع عمومی دولت از محل واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای یا به عبارت دیگر فروش نفت و مشتقات آن حاصل خواهد شد. این در حالی است که در قانون بودجه ۹۹، واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای رقمی در حدود ۵/۱۰۷ هزار میلیارد تومان بوده است؛ بنابراین دولت برای سال آینده بیش از دو برابر آنچه در سال جاری از محل فروش نفت در نظر گرفته بود، پیش‌بینی درآمد کرده است. این افزایش درآمد از محل فروش نفت اطلاعات مهمی مانند پیش‌بینی دولت از فروش تعداد بشکه نفت در روز، قیمت هر بشکه و نرخ تسعیر ارز را نشان می‌دهد. مژگان خالو سخنگوی سازمان برنامه‌بودجه هم اعلام کرده است که «میزان فروش نفت در لایحه ۱۴۰۰ بالغ بر ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز در نظر گرفته شده است. فروش این میزان نفت شامل صادرات و پیش‌فروش نفت می‌شود.» این در حالی است که در سال جاری به دلیل تحریم‌ها و شیوع ویروس کرونا، به‌طور میانگین حدود ۵۰۰ هزار بشکه نفت در روز فروخته شده است و فروش ۲ میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه نفت در روز کاملاً خوش‌بینانه بوده و بالاترین رقم فروش نفت از سال ۹۶ و پیش از تحریم‌ها بوده است؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دولت به‌طور خوش‌بینانه و با فرض اینکه تحریم‌ها

برداشته می‌شود، پیش‌بینی فروش حدود ۵ برابر میزان فعلی نفت را در نظر گرفته و بر اساس این فرض، بودجه سال آینده را طراحی کرده است. همچنین در ردیف ۳۱۰۱۱۲ حدود ۷۰ هزار میلیارد تومان اوراق سلف نفتی پیش‌بینی شده است. اگر مجلس با این عدد موافقت کند، برآورد می‌شود طبق پیش‌بینی دولت در بودجه، فروش یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه نفت در روز صورت گیرد؛ اما اگر این اتفاق رخ ندهد و مجلس با فروش ۷۰ هزار میلیارد تومان اوراق نفتی موافقت نکند، همان عدد ۱.۲ میلیون بشکه در روز را باید مبنا قرار داد.

۲. درآمدهای مالیاتی: ۲۵۱.۵ هزار میلیارد تومان

۳. درآمدهای اختصاص: ۸۸ / ۴

۴. واگذاری درآمدهای مالی: ۲۹۸ / ۵ هزار میلیارد تومان

دولت در سال ۱۴۰۰ در نظر دارد ۲۹۸ / ۵ هزار میلیارد تومان از منابع عمومی خود را با واگذاری دارایی‌های مالی تأمین کند. در اصطلاح بودجه‌ای به استقراض و ایجاد دین به‌منظور تأمین مالی در بودجه واگذاری دارایی‌های مالی گفته می‌شود؛ زیرا دولت در ازای استقراضی که از مردم می‌کند به آن‌ها برگه اوراق بهادار می‌دهد. به عبارت ساده‌تر، واگذاری دارایی‌های مالی همان فروش اوراق دولتی است. دولت در قانون بودجه سال جاری حدود ۱۷۴ / ۷ هزار میلیارد تومان تأمین مالی از راه واگذاری دارایی‌های مالی در نظر گرفته بود که ارقام لایحه بودجه ۱۴۰۰ به نسبت قانون بودجه ۹۹ رشد ۷۰ / ۹ درصدی را نشان می‌دهد. جزئیات این ارقام نشان می‌دهد که دولت پیش‌بینی کرده در سال آینده ۱۲۵ هزار میلیارد تومان از محل فروش اوراق دولتی، ۹۵ هزار میلیارد تومان از فروش شرکت‌های دولتی و ۷۵ / ۵ هزار میلیارد تومان از محل صندوق توسعه

ملی تأمین مالی کند؛ اما باید در نظر داشت که دولت تا پایان آبان ماه سال جاری تنها توانسته است حدود ۱۱۰ هزار میلیارد تومان از محل فروش اسناد خزانه اسلامی و اوراق نقدی دولتی تأمین مالی کند.

## هزینه‌ها و ایرادات لایحه بودجه

هزینه‌های منابع عمومی به سه بخش مهم تقسیم می‌شود:

۱. هزینه‌های جاری (شامل حقوق و دستمزد، یارانه‌ها و استفاده از کالا و خدمات با مبلغ ۶۳۷ هزار میلیارد تومان)
  ۲. تملک دارایی‌های سرمایه‌ای (پروژه‌های عمرانی ۱۰۴ هزار میلیارد تومان)
  ۳. تملک دارایی‌های مالی (تسویه قروض و دیون ۱۰۰ هزار میلیارد تومان)
- بودجه ۱۴۰۰ که از سوی مرکز پژوهش‌ها به‌عنوان بازوی کارشناسی مجلس شورای اسلامی بررسی شده است، حاوی مطالب بسیار ریز و گسترده‌ای است که به اهم اشکالات و ایرادات آن اشاره می‌شود:

- کسری بودجه ساختاری قابل توجه (حدود ۵۰ درصد)؛
- بیش‌برآورد غیرواقعی از منابع حاصل از صادرات نفت؛
- افزایش وابستگی بودجه به نفت به ۳۰ درصد (با در نظر گرفتن پیش‌فروش نفت)؛
- کاهش سرمایه‌گذاری دولت (کاهش شدید سهم اعتبارات عمرانی از مصارف عمومی از ۱۵ درصد در قانون سال ۱۳۹۹ به ۱۱ درصد در لایحه بودجه ۱۴۰۰)؛



- افزایش قابل توجه هزینه‌های جاری (رشد ۶۰ درصدی)؛
  - کاهش سهم درآمدهای مالیاتی از منابع عمومی بودجه (از ۳۶ درصد در قانون بودجه ۱۳۹۹ به ۲۷ درصد در لایحه بودجه ۱۴۰۰ رسیده است)؛
  - افزایش کسری تراز عملیاتی (برخلاف اهداف تعیین شده در قانون برنامه ششم توسعه)؛
  - پیش‌بینی منابع قابل توجه از محل پیش‌فروش نفت و ایجاد بدهی تعدیل شونده با نرخ ارز؛
  - حرکت برخلاف جهت اصلاح ساختاری بودجه (افزایش کسری بودجه)؛
  - افزایش هزینه‌های جاری و همچنین تکیه بر منابع غیرواقعی و غیرقابل تحقق؛
  - تورم‌زا بودن بودجه؛
- مرکز پژوهش‌های مجلس در پایان گزارش مفصل خود رد کلیات لایحه بودجه سال ۱۴۰۰ از سوی مجلس شورای اسلامی را پیشنهاد داده و دولت را موظف کرده است که در اصلاح لایحه بودجه مواردی چون کاهش کسری تراز عملیاتی از محل ایجاد درآمدهای پایدار و قابل تحقق، کاهش رشد مخارج هزینه‌ای دولت از طریق مدیریت هزینه، افزایش سهم مخارج سرمایه‌گذاری دولت از کل هزینه‌ها، اصلاح منابع غیرواقعی پیش‌بینی شده از محل صادرات نفت، حذف پیش‌فروش نفت از بودجه و در اولویت قرار گرفتن معیشت عمومی و اقشار کم‌درآمد را در مصارف دولت رعایت نماید.

## جمع‌بندی و ملاحظات تحلیلی بودجه ۱۴۰۰

بررسی شکلی و محتوایی لایحه بودجه و همچنین ارزیابی نظرات اولیه نمایندگان مجلس نشان می‌دهد، مهم‌ترین موضوع چالشی بودجه ۱۴۰۰ احتمال رد کلیات آن در روزهای آتی از سوی مجلس است. در صورت بروز این اتفاق، آنچه مهم است در تحلیل‌ها به آن توجه داشته باشیم، این است که این اقدام مجلس نباید به معنای تقابل مجلس و دولت به تبع اولی تقابل قوا تحلیل شود. البته بدون تردید، دشمنان انقلاب همین خط را در دستور کار جنگ ادراکی و شناختی خود قرار خواهند داد. درحالی‌که این موضوع یک ظرفیت قانونی است تا اگر بودجه متناسب با شرایط کشور تنظیم نشده باشد، کلیات آن تأیید نشود و این لایحه مجدد به دولت برگشت داده شود تا با انجام اصلاحات ساختاری به مجلس تقدیم شود.

به نظر می‌رسد نقد جدی به لایحه بودجه دولت وارد است؛ زیرا کشوری که با تنگناهای مالی مواجه است، به‌طور طبیعی صرفه‌جویی را در اولویت حوزه مصارف خود می‌گذارد، اما در لایحه افزایش شدید هزینه‌ها را شاهد هستیم. از سوی دیگر، منابع پایداری نیز برای درآمدزایی در بودجه پیش‌بینی و ایجاد نشده و عموماً این افزایش مصارف از طریق دست‌اندازی به منابع بانک مرکزی، صندوق توسعه ملی یا فروش اوراق و اموال تأمین شده است که این مسیر قطعاً اشتباه بوده و پیامدهای اقتصادی خواهد داشت. این نحو بودجه‌ریزی می‌تواند متغیرهای اقتصاد کلان همانند تورم را در سال آتی تشدید نماید. مضاف بر موارد مذکور، اصلاح ساختار معیوب بودجه‌ریزی کشور در لایحه بودجه ۱۴۰۰ لحاظ نشده است. یکی از مهم‌ترین مسائل در نظام بودجه‌ریزی ایران، قواعد معیوبی است که بر آن حاکم است و تنها در صورت وجود اراده جدی از سوی دولتمردان و نمایندگان مجلس می‌توان امید به اصلاح داشت.

در همین راستا، مقام معظم رهبری دو سال قبل از دولت خواستند در یک فرایند زمانی به اصلاح ساختاری بودجه پردازد؛ اما بررسی‌های کارشناسی نشان می‌دهد این مطالبه مهم همچنان تحقق نیافته است. برای اصلاح ساختاری باید اصول و قواعد معیوب بودجه‌ریزی در ایران تغییر کند. عدم شفافیت در فرآیند بودجه‌ریزی، مکانیسم تخصیص مجدد بودجه در دولت، تعارض منافع ملی و محلی نمایندگان مجلس، وابستگی بودجه به نفت و عدم وجود قوانین مناسب در حوزه مالیات از مهم‌ترین موانع تحقق اصلاحات ساختاری بودجه به شمار می‌روند که ضرورت اقدام برای اصلاح جدی آن‌ها بر کسی پوشیده نیست. در غیر این صورت، هرگونه تغییر در ارقام به‌نوعی بازی با اعداد محسوب می‌شود نه تغییر ساختاری. نکته پایانی، به بسته‌های فساد خیز این لایحه برمی‌گردد. با توجه به عدم شفافیت بودجه شرکت‌های دولتی و پیش‌بینی حجم بسیار بالای فروش دارایی‌های دولتی، به نظر می‌رسد فساد، جزء جدایی‌ناپذیر این لایحه خواهد بود. در این بخش نیز لازم است کار اساسی در حوزه اصلاحات ساختاری جدی با رویکرد پیشگیری از فساد از سوی دولت و اقدامات صیانتی از طرف مجلس شورای اسلامی صورت گیرد.



سازمان بسیج اساتید  
دانشگاه ملی آموزش عالی و پژوهشی کشور